

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فارسی

(دوره‌ی انتقال)

گروه پژوهش، تألیف کتاب‌های درسی و کمک آموزشی

معاونت آموزش

سازمان نهضت سوادآموزی

۱۳۹۲

این اثر از سوی کارشناسان و مدرّسان اداره‌ی کل آموزش و پرورش
استان کرمان با نظارت و راهنمایی مؤلّفان سازمان مرکزی نهضت
سواد آموزی تهیه و تدوین شده است.

شناسنامه‌ی کتاب:

عنوان: فارسی (دوره‌ی انتقال)

زیر نظر: علی باقرزاده، معاون وزیر و رئیس سازمان نهضت سوادآموزی

گروه مؤلّفان: محمّدحسین حسینی صادق، بهروزافضلی نیا، اسماعیل شمس‌الدین، محمّدحماسیان،

اردشیر بحرینی، محمّدعلی زاده، محمّدباقری، مجتبی پارسایی، فریده بهرام، فاطمه نوروزی،

مریم احمدی، فاطمه سلندری، نرگس نادری، مهدیه رحیم پور، فاطمه مرتاض، زهرا رحیم پور

ویراستاران علمی: کرامت نوایی، منیرالسادات موسوی

طراح جلد و صفحه‌آرا: انتشارات مگستان (لیلا سادات حسینی لر)

شمارگان: ۸۸/۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم

سال انتشار: ۱۳۹۲

ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی

ISBN 978-964-494-259-4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۴-۲۵۹-۴

« تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. »



* اگر ادب اسلامی در بین ملت ما تحقق یابد، آسیب، دیگر در این ملت تحقق پیدا نخواهد کرد.

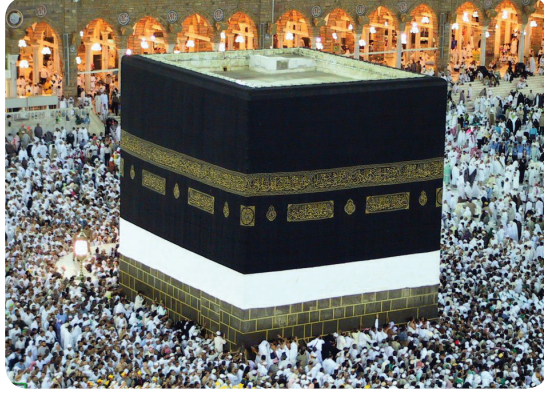
«حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه)»

* کشوری که دستش از علم تهی است، نمی تواند توقع عزت داشته باشد.

«حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی)»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۴	درس ۱۵: کاسه‌ی چوبی	۱	درس ۱: ای نام تو بهترین سرآغاز
۶۸	تمرین دوره‌ای (۳)	۴	درس ۲: ارزش علم
۷۰	درس ۱۶: اشک یتیم	۸	درس ۳: سرود جمهوری اسلامی ایران
۷۴	درس ۱۷: مناظره کدو با چنار	۱۲	درس ۴: دانایی و تدبیر
۷۸	درس ۱۸: سعدی شیرازی	۱۸	درس ۵: نخست وزیر شهید
۸۲	تمرین دوره‌ای (۴)	۲۴	درس ۶: پس انداز
۸۴	درس ۱۹: دیابت	۲۶	تمرین دوره‌ای (۱)
۹۰	درس ۲۰: آنچه از دوست رسد، نکوست	۲۸	درس ۷: آیاتاکنون نمک خدا را خورده‌ای؟
۹۴	درس ۲۱: هنر قالی بافی	۳۲	درس ۸: چوب درخت به
۹۷	درس ۲۲: فایده‌های شیر	۳۶	درس ۹: درست مصرف کنیم
۱۰۲	درس ۲۳: یاد استاد	۳۹	درس ۱۰: شوق دیدار
۱۰۵	درس ۲۴: رایانه	۴۲	تمرین دوره‌ای (۲)
۱۰۹	درس ۲۵: خانواده و فرزندان	۴۵	درس ۱۱: مردان بی‌ادعا
۱۱۴	درس ۲۶: زلزله	۵۱	درس ۱۲: راز داری
۱۱۹	درس ۲۷: نیایش	۵۵	درس ۱۳: کشاورزی
		۶۰	درس ۱۴: مکافات عمل



به نام خدا

ای نام تو بهترین سرآغاز
 بی نام تو نامه کی کنم باز
 ای یاد تو مونس روانم
 جز نام تو نیست بر زبانه
 هم قصه می نمانده دانی
 هم نامه می نمانده خوانی
 صاحب تویی آن دگر غلامند
 سلطان تویی آن دگر کلامند
 هم تو به عنایت الهی
 آنجا قدم رسان که خواهی
 از ظلمت خود، راییم ده
 با نور خود آشناییم ده

(نظامی گنجوی)

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی شروع کار با نام خداوند، با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– تجربه‌های خود را درباره‌ی شکر نعمت‌های خداوند برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

فضل خدای را که تواند شمار کرد ؟ یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟
بخشنده‌ای که سابقه‌ی فضل و رحمتش ما را به حسن عاقبت امیدوار کرد
نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

بنویسیم

– با کلمه‌های خداوند، سرآغاز و بهترین یک جمله بنویسید.

– هم معنی کلمه‌های زیر را پیدا کنید و در جای مناسب بنویسید.

مالک – ناگفته – یار و همدم – بخشش

.....	مونس
.....	ناموده
.....	صاحب
.....	عنایت

- جمله‌ها را ادامه دهید:

ما انسان‌ها همیشه خداوند بزرگ را

به یاد دارم، اولین روزی را که به کلاس درس

- بیت زیر را با خط خوش در دفترچه‌ی خود بنویسید.

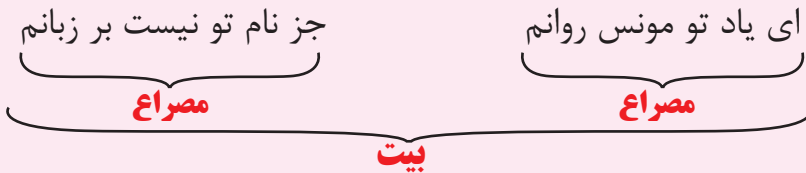
ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

- مخالف هر کلمه را پیدا کنید و روبه‌روی آن بنویسید.

.....	بهترین	آغاز
.....	طلوع	تشنه

به کلمه‌های مخالف، کلمه‌های **متضاد** نیز می‌گویند.

نکته



هر سطر از یک شعر را یک بیت می‌گویند.

حالا بگویید شعر درس چند بیت دارد؟

«ای یاد تو مونس روانم» یک مصراع است. «جز نام تو نیست بر زبانم» یک مصراع است.

هر بیت دارای دو نیمه است که هر نیمه را یک مصراع می‌گویند.

حالا بگویید، شعر درس چند مصراع دارد؟



ارزش علم

ابن هیثم از دانشمندان اسلامی است که حدود هزار سال پیش می زیسته است. او در هندسه و ریاضی تخصص داشت. ابن هیثم شاگردان زیادی داشت. روزی یکی از امیران سمنان تصمیم گرفت که نزد او برود و از دانش او بهره ببرد. او به ابن هیثم گفت که علاقه مند است از او درس بیاموزد. ابن هیثم گفت: «باید ماهانه صد دینار طلا بپردازی تا حکمت و فلسفه به تو بیاموزم.» مرد با آن که از

پول پرستی ابن هیثم متعجب شده بود، میزان شهریه را پذیرفت و آن را ماهانه پرداخت و نزد او شاگردی می کرد.



امیر شاگردی را گذراند. نزد ابن هیثم رفت. ابن هیثم همه‌ی شهریه‌ای را که تا به آن روز دریافت کرده بود، به او برگرداند و چیزی از آن برای خود برنداشت. او به امیر گفت: «من نیازی به پول ندارم، فقط می خواستم به این

وسیله، شوق تو را برای علم آموزی آزمایش کنم. وقتی دیدم که برای کسب علم، مال در نظر تو ارزش ندارد، من هم نسبت به آموزش تو رغبت نشان دادم و تو را پذیرفتم.»

با هم گفت و گو کنیم

– در مورد ارزش و اهمیت علم و سواد با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– با توجه به تجربه‌ی گذشته خود در مورد سوادآموزی، اگر خاطره‌ای دارید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

دو شاهزاده در مصر بودند. یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت. سرانجام یکی علامه‌ی مصر و دیگری عزیز مصر شد. پس توانگر به چشم حقارت به علامه نگاه می‌کرد و می‌گفت: «من به سلطنت رسیدم و تو همچنان در فقرمانده‌ای!» دانشمند جواب داد: «جای دارد من خدا را بیش از تو سپاس گویم؛ زیرا که من میراث پیغمبران را یافته‌ام، یعنی علم و به تو میراث فرعون و هامان رسید، یعنی، مُلک مصر.»

(گلستان سعدی)



– هم معنی کلمه‌های زیر را در جای مناسب بنویسید.

.....	شوق	ترقی
.....	رغبت	تخصّص
.....	علامه	شهریه
.....	دینار	مُلک

– با توجّه به متن جمله‌های زیر را کامل کنید.

ابن هیثم گفت: باید ماهانه صد دینار طلا پردازی تا
 ابن هیثم همه‌ی شهریه را که تا به آن روز دریافت کرده بود؛
 او به امیر گفت: من نیازی به پول ندارم، فقط می‌خواستم به این وسیله

– شعر زیر چند بیت و چند مصراع دارد؟

مسجد ای جایگه یاد خدا	مسجد ای خانه‌ی آباد خدا
می‌زنی بانگ نزدیک و زدور	از بلندای مناری پر نور

- چرا ابن هیثم درخواست پول کرد؟
- آیا ابن هیثم همه‌ی شهریه را گرفت؟
- کتاب را خوانده‌اید؟
- این علامت (?) در پایان جمله‌های بالا آمده است. به این جمله‌ها، **جمله‌ی پرسشی** می‌گویند.

جمله‌ی **پرسشی**، جمله‌ای است که در آن **پرسشی** وجود دارد.
در پایان جمله‌ی **پرسشی** علامت (?) قرار می‌گیرد.

از بسته درست مراقبت کن و به کسی چیزی مگو.

جمله‌ی **امری**، جمله‌ای است که در آن خواهشی یا فرمانی بیان می‌شود.
در پایان جمله‌ی **امری** علامت (.) نقطه قرار می‌گیرد.

جمله‌ی **امری** جمله‌ای است که در آن دستوری داده می‌شود.

- حالا متن درس را به دقت بخوانید و چند جمله‌ی پرسشی و امری را پیدا کنید و در دفترچه‌ی خود بنویسید.



سرود جمهوری اسلامی ایران

سر زد از اُفق، مهر خاوران

فروغ دیده‌ی، حق باوران

بهمن فرّ ایمان ماست، پیامت ای امام

استقلال، آزادی، نقش جان ماست

شهیدان، پیچیده در گوش زمان، فریادتان

پاینده مانی و جاودان

جمهوری اسلامی ایران

هر کشوری غیر از پرچم که نشان‌دهنده‌ی استقلال آن کشور است، سرود ملی نیز دارد. دین، پرچم، سرود ملی و زبان هر کشوری، موجب وحدت و همبستگی مردم آن است. سرود ملی هر کشور، خلاصه‌ای از عظمت، اعتقادات و خواسته‌های ملت خود را بیان می‌کند.

شاید دیده باشید که در آغاز مراسم و برنامه‌های رسمی؛ مانند: برگزاری مسابقات ورزشی، برنامه‌های تلویزیونی به همراه برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران، سرود ملی کشور نیزنواخته می‌شود و همه به آن احترام می‌گذارند و از جای خود بلند می‌شوند.



چند سال پیش، شاعران و هنرمندان کشور عزیزمان، ایران، به دلیل طولانی بودن سرود قبلی، سرودی کوتاه و پر معناتر از قبل سرودند. در این سرود از آرمان های کشور ایران؛ یعنی ایمان، امام (رحمة الله عليه)، استقلال، آزادی و شهیدان، نام برده شده است. این سرود، موسیقی و آهنگ نیز دارد و با دعا و نیایش برای کشور و ملت ایران به پایان می رسد.

با هم گفت و گو کنیم

– دین، سرود ملی، پرچم و زبان، موجب وحدت ما ایرانیان است. در این باره با هم گفت و گو کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

پرچم ایران از سه رنگ سبز، سفید، و قرمز تشکیل شده است که رنگ سبز آن نشانه‌ی سرسبزی و آبادانی و رنگ دین اسلام است. رنگ سفید نشانه‌ی صلح و دوستی و آرامش و رنگ سرخ آن نشانه‌ی شجاعت و دلیری و خون شهیدان است. کلمه‌ی الله اکبر ۱۱ بار در رنگ سبز و ۱۱ بار در رنگ قرمز آن نوشته شده است که جمعاً ۲۲ بار تکرار شده و اشاره ای است به ۲۲ بهمن، روزی که مردم ایران با این شعار، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند.

– هم معنی کلمه های زیر را با توجه به درس قبلی و حرف اول آن کامل کنید.

جاودان : ه
خاوران : م
فَرُّ : ش
فروغ : ن
عظمت : ب

– علامت «س» را بر روی کلمه‌هایی که دارای علامت «س» هستند، بگذارید.

ملی - وحدت - فرایمان - رژه - طولانی - ملت - دعا

– جمله‌های زیر را به دلخواه کامل کنید.

..... سرود ملی هر کشور خلاصه‌ای از

..... این سرود موسیقی و

– با شنیدن کلمه‌ی وطن به یاد چه چیزهایی می‌افتید، چند مورد بنویسید.

.....

پرچم ایران سه رنگ دارد. من پرچم کشورم را دوست دارم.
 سرود جمهوری اسلامی ایران زیباست.
 هر سطر از نوشته‌های بالا یک جمله است.

یک یا چند کلمه که در کنار هم معنی کاملی را
 برسانند؛ جمله می‌گوییم.

– شما نیز چند جمله از درس را انتخاب کنید و بنویسید:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

دانایی و تدبیر



روزی شاه عباس صفوی دو دانشمند عصر خود، میرداماد و شیخ بهایی را به باغی نزدیک اصفهان، دعوت کرد. او نیز همراه آنان به طرف باغ حرکت کرد. در بین راه، شاه با خود فکر کرد که صمیمیت و اتحاد این دو دانشمند را امتحان کند. ابتدا نزد میرداماد رفت و با او گفت و گو کرد. در این هنگام شیخ بهایی بر اسب تندرویی سوار بود و با سرعت حرکت می کرد. شاه، رو به میرداماد کرد و گفت: « آیا به شیخ توجهی نمی کنید که چگونه بی ادبانه پیش افتاده است. او حرمت همراهان را نگه نمی دارد و با اسبش بازی می کند؛ ولی شما با چنین متانت و وقاری حرکت می کنید.»

میرداماد بلافاصله پاسخ داد: «اسب شیخ به خاطر شادی از چنین سواری، نمی تواند آهسته رود و به همین دلیل، تند می رود و به هر سو می دود.» شاه دیگر سخنی نگفت. دقایقی بعد به سوی شیخ بهایی که همچنان مشغول تاخت و تاز بود، رفت و گفت: «آیا می بینید که چگونه اندام سنگین میرداماد، اسب بینوا را به زحمت انداخته و او نمی تواند مثل شما سبک بال بتازد؟»

شیخ بهایی خنده ای کرد و گفت: «اسب از اندام تنومند میرداماد به سختی نیفتاده است؛ بلکه ناراحتی او از تحمل بار علم اوست که پیکر نیرومند اسب از حمل آن عاجز است.»

با هم گفت و گو کنیم

– از حکایت درس چه پندی می‌گیرید؟ با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– اگر در زندگی خود تدبیری به کار بردید و نتیجه‌ی خوبی داشته است؛ برای دوستانتان بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

شیخ بهایی در دوران کودکی در شام زندگی می‌کرد. سپس همراه پدرش به ایران آمد و در شهر قزوین ساکن شد. او زبان فارسی را در این شهر آموخت. شخصیت علمی- ادبی و اخلاق و پارسایی او معروف بود. او در اصفهان درگذشت و بنابر وصیت خودش در کنار آرامگاه علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به خاک سپرده شده است.

میرداماد، فرزند میرشمس الدین مشهور به «داماد» از سادات حسینی گران است. او مانند بسیاری از حکما و عرفا ذوق شعر و شاعری داشته و به سرودن شعر عربی و فارسی می‌پرداخته است. میرداماد در مسیر کربلا و نجف درگذشت. او در حرم علی بن ابیطالب (علیه السلام) دفن شد.

- هم معنی کلمه‌های زیر را با توجه به کلمه‌های داده شده بنویسید.
یکدلی - آبرو - اندیشیدن - وحدت - ناتوان - آسوده - جسم - دویدن - قوی
تدبیر: حرمت: پیکر:
صمیمیت: تافت: عاجز:
اتحاد: تنومند: سبک‌بال:

- از متن درس ۵ جمعه انتخاب کنید و در دفترچه ی خود بنویسید.

- در مورد ضرب المثل:

دشمن دانا بلندت می کند بر زمینت می زند نادان دوست

- چند سطر در دفترچه ی خود بنویسید.

- با کلمه‌های «زندگی و صمیمیت» یک جمله بنویسید.

.....
.....
.....

گزاره	نهاد
به طرف باغ حرکت کرد. اسب سوار بود. مشهور است	شاه عباس شیخ بهایی پسته‌ی کرمان

به جمله‌های بالا توجه کنید.

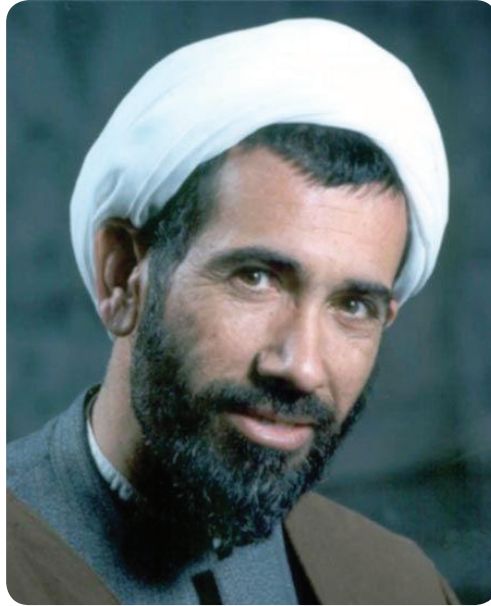
در جمله‌ی اوّل کلمه‌ی (شاه عباس) نهاد است.

نهاد قسمتی از جمله است که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم.

و به طرف باغ حرکت کرد. گزاره است.

گزاره خبری است که درباره‌ی نهاد داده می‌شود.

نخست وزیر شهید



پنج ساله بود که پدر، او را به مکتب نزد بانویی مهربان سپرد. آن بانوی متدین قرآن را به کودکان شهر می‌آموخت. هنوز زمان زیادی از مکتب رفتن کودک نگذشته بود که مورد توجه اُستاد قرار گرفت. او کودکی باهوش، از خانواده‌ای مذهبی و با ایمان بود. پدرش در بازار کرمان، دکان پتّه فروشی داشت و به صداقت و امانت‌داری مشهور بود.

او به تربیت فرزندان اهمّیت زیادی می‌داد. تحصیلات دینی خود را در مدرسه‌ی معصومیه‌ی کرمان ادامه داد و در اوایل مهر ماه سال ۱۳۳۲ برای ادامه‌ی تحصیل علوم دینی به قم رهسپار شد.

او از همان ابتدا مورد توجه بزرگانی؛ همچون آیت الله بروجردی و علامه طباطبایی قرار گرفت. از محضر امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز بهره زیادی برد. هوش و ذکاوت او باعث شد تا تحصیلات دانشگاهی خود را در تهران ادامه دهد. شهید باهنر با راهنمایی امام خمینی (رحمة الله علیه) در پیشبرد مسایل انقلاب و مخالفت با حکومت شاه اقدام می کرد و چندین بار هم از سوی مأموران رژیم دستگیر و زندانی شد.

دکتر محمدجواد باهنر به همراه آیت الله طالقانی و شهیدان مطهری و رجایی مراکزی را تأسیس کردند که در راه رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی نقش مهمی داشت و همیشه می فرمودند: «تازندهام خستگی را نخواهم شناخت.» تألیف کتاب های تعلیمات دینی نیز از بزرگ ترین زحمات او و همکارانش بود، از این طریق توانستند تا حدودی کودکان و نوجوانان کشور را با مسایل مذهبی و اسلامی آشنا کنند.

شهید باهنر بعد از پیروزی انقلاب، مسئولیت های زیادی داشتند؛ از جمله: عضویت در شورای انقلاب، نهضت سواد آموزی، نمایندگی مردم کرمان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و وزارت آموزش و پرورش و در همه جا وظیفه ی خود را به طور شایسته ای انجام دادند.

آخرین مسئولیت ایشان نخست وزیری در کابینه ی شهید رجایی بود. سرانجام به همراه آن شهید در هشتم شهریور سال ۱۳۶۰ در انفجار بمب به دست منافقان کوردل به شهادت رسیدند. مقام معظم رهبری درباره ی ایشان فرمودند:

«من ایشان را می شناختم: فردی پرکار، خستگی ناپذیر و مخلص بود.»

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی نقش شهیدان در انقلاب اسلامی با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم

– اگر از زندگی شهدا خاطره‌ای شنیده‌اید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم



شهید محمدعلی رجایی در شهرستان قزوین به دنیا آمد. او پس از تحصیل، وارد نیروی هوایی شد، پس از آن به دانش‌سرای عالی رفت و به شغل شریف معلمی مشغول شد. شهید رجایی آموزگاری دلسوز، پرکار و شایسته بود. او علاوه بر تدریس، علوم اسلامی را آموخت و فعالیت‌های سیاسی

انجام می‌داد. پس از پیروزی انقلاب، وزیر آموزش و پرورش شد. او در زمان وزارت خود همه‌ی مدارس را دولتی کرد. بعد از آن به عنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی و سپس به عنوان رئیس‌جمهور کشور انتخاب شد. سرانجام به همراه یار قدیمی خود، دکتر باهنر، به شهادت رسید.

– جمله‌های زیر را کامل کنید.

..... محمدجواد باهنر، تحصیلات دینی خود را
..... هوش و ذکاوت او

– چند کلمه بنویسید که در آنها کلمه‌ی هنر به کار رفته باشد.

..... مانند : باهنر،

– با هم خانواده‌ی هر کلمه در جدول جمله بسازید.

جمله	هم خانواده	کلمه
.....	شهادت
.....	زحمات
.....	علوم

– هم معنی کلمه‌های زیر را با توجه به کلمه‌های داده شده بنویسید.

دوستی - تیزهوشی - دین‌دار - بی‌ریا

متدین: مخلص:

صداقت: ذکاوت:

– نام شخصیت‌های درس را بنویسید.

.....

.....

– کلمه‌های زیر را در جای خالی قرار دهید.

پتّه ، تألیف ، ذکاوت ، کابینه ، مخاص ، متدّین ، نحو

یکی از صنایع مشهور کرمان است. «پتّه از صنایع دستی استان

کرمان است.»

شهید باهنر از هوش و بالایی برخوردار بود.

یکی از اثرهای شهید باهنر کتاب‌های دینی بود.

– در جمله‌های زیر نهاد و گزاره را مشخص کنید و در جای مناسب بنویسید.

«محمدجواد کودکی با هوش بود.»

«درختان در بهار شکوفه می‌دهند.»

«او فردی متدّین بود.»

گزاره	نهاد
.....
.....
.....

شهیدان رجایی و باهنر به شهادت رسیدند.

شهید باهنر فردی پرکار و مخلص بود.

آنان زیر بار ظلم نرفتند.

در جمله‌های بالا رسیدند ، بود و نرفتند، فعل هستند.

فعل کلمه‌ای است که برای انجام گرفتن کار یا روی دادن حالتی یا نسبت دادن صفتی به صورت منفی یا مثبت به کار می‌رود.

– به جمله‌های زیر توجه کنید.

زهرا به دکتر رفت.

عمل رفتن در زمان گذشته انجام شده است.

به فعلی که در زمان گذشته انجام شده باشد، فعل گذشته (ماضی) می‌گویند.

مانند: رفت، بود، نوشت.

– حالا چند فعل گذشته از درس را انتخاب کنید و آنها را بنویسید.

.....

.....

پس انداز



هنگامی که نرگس خانم همسرش، آقا رضا، را دید که به فکر فرو رفته است، لبخند زنان کنار او نشست. علت نگرانی همسرش را جویا شد. آقا رضا گفت: «ازدواج ریحانه فکر مرا مشغول کرده است.» نرگس خانم گفت: «بررسی که در مورد مسعود انجام داده‌ایم، نشان می‌دهد که او همسر مناسبی برای ریحانه و داماد خوبی برای ما می‌شود.» آقا رضا از جایش بلند شد و شروع به قدم زدن کرد. سپس گفت: «مسعود پسر خوبی است؛ اما شما که از وضع بازار خبر دارید، مدتی است که درآمد مغازه مثل قبل نیست. من از این نگرانم که چطور جهیزیه ی ریحانه را تهیه کنیم؟» نرگس خانم لبخندی زد و گفت: «مسعود و خانواده‌اش افرادی متدین و قانع هستند. آنان اهل تشریفات و خودنمایی نیستند. من هم مدتی است که مبلغی پول پس انداز کرده‌ام. می‌توانیم از آن استفاده کنیم.» آقا رضا پرسید: «عجب! شما چطور توانستی با این اوضاع گرانی پس انداز کنی؟» نرگس خانم گفت: «کمی از پولی که شما برای خرج زندگی در اختیار من قرار می‌دادید، کنار می‌گذاشتم تا وقت نیاز از آن استفاده

کنیم. خداوند مادرم را رحمت کند. او همیشه به من سفارش می کرد و می گفت: «کسی که در زندگی پس انداز کند، هیچ وقت درمانده نمی شود.»

آقا رضا به همسرش نگاهی کرد و گفت: «خداوند مادر شما را بیامرزد که این میراث گرانبها؛ یعنی نحوه‌ی پس انداز کردن را به شما یاد داد و از شما هم متشکرم که همیشه با تدبیر، یار و پشتیبان من در زندگی هستی.»

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی فایده‌های پس انداز کردن با یکدیگر بحث و گفت گو کنید.

از تجربه‌ها بگویم

– خاطره‌ای از پس انداز کردن خود یا دیگران برای دوستان خود بازگو کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

آشنا کردن کودکان با صرفه جویی، چگونه خرج کردن در زندگی و آموزش فرهنگ پس انداز، از موضوعات مهمی است که خانواده‌ها باید به طور جدی به آن توجه کنند. کودکان کمتر در مدرسه با پول سروکار دارند. پس وظیفه‌ی خانواده‌هاست که ارزش پول و چگونه مدیریت کردن آن را به کودکان بیاموزند و آنان را با این مهارت آشنا کنند.

البته هرگونه صرفه جویی در هزینه‌ها هم نوعی پس انداز است.

– هم خانواده و هم معنی کلمه‌ها را در جای مناسب بنویسید.

هم خانواده	هم معنی
اوضاع - ارث	تأمل - جويا
تشریف - تحقیق	قانع - خشنود
تحقیقات:	جست و جو کننده:
میراث:	راضی
وضع:	اندیشیدن
تشریفات:	قناعت کننده:

– کلمه‌های جدید درس را پیدا کنید و در دفترچه‌ی خود بنویسید.

به جای حرف اوّل «جويا» یکبار حرف «پ» و بار دیگر حرف «گ» را بگذارید؛ سپس با آن کلمه‌ها جمله بسازید.

.....

.....

– اگر شما پس‌اندازی داشته باشید، چگونه آن را خرج می‌کنید؟ چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

زهرا به دکتر می‌رود.

عمل رفتن در زمان حال انجام می‌شود.

به فعلی که در زمان حال انجام می‌شود، فعل **حال** (مضارع) می‌گویند.
مانند: می‌رود، می‌دود، می‌خواند.

من فردا به برادرم نامه‌ای **خواهم نوشت**.

در جمله‌ی بالا **خواهم نوشت** فعل **آینده** می‌باشد.

به فعلی که در زمان آینده انجام می‌گیرد، (فعل **آینده**) می‌گویند.

– چند جمله بنویسید که فعل حال، آینده و گذشته داشته باشد.

..... حال:

..... گذشته:

..... آینده:

پروردگارا! هرگاه که به آسمان آبی، جنگل‌های سرسبز و کوه‌های بلند می‌نگرم احساس می‌کنم، تو را پیدا کرده‌ام. هر وقت به پدر و مادر و دوستانم نگاه می‌کنم، به مهربانی و دانایی تو پی می‌برم.
الهی مرا چشمی ده که به من راه راست را نشان دهد و قلبی ده که از مهر و محبت تو لبریز باشد!

به دریا بنگرم دریا تو بینم به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به هرجا بنگرم کوه و در دشت نشان از قامت رعنا تو بینم

– هم معنی، هم خانواده و مخالف کلمه‌های زیر را در جای مناسب بنویسید.

هم معنی	اتحاد	تأمل	فروغ	حقیر
.....
هم خانواده	تحصیل	شهادت	میراث	هنر
.....
مخالف	سرانجام	غروب	کم‌تر	فقیر
.....

- شعری که در بخوانیم تا بیشتر بدانیم، خواندید، چند مصراع دارد؟
مصراع‌ها را جدا جدا در دفترچه‌ی خود بنویسید.

- در جمله‌های زیر، فعل را مشخص کنید، سپس زمان آنها را بنویسید.
من دیروز از تلویزیون سرود ملی را شنیدم.
او برای ادامه‌ی تحصیل به قم خواهد رفت.
آقا رضا نسبت به همسرش، رفتار محبت‌آمیزی دارد.

- در جمله‌های زیر نهاد و گزاره را مشخص کنید و در جای مناسب بنویسید.

گزاره	نهاد	جمله
		نرگس خانم مبلغی پول پس‌انداز کرده بود.
		همسایه از دعوت او شگفت زده شد.
		زهره و مادرش به درمانگاه رفتند.

- کلمه‌های زیر را با واژه‌ی مناسب ترکیب کنید و جمله بسازید.

دانش + مند = :

گران + بها = :

خسته + گی = :

- در مورد ضرب‌المثل «قطره قطره جمع گردد و آنگهی دریا شود» در دفترچه‌ی خود چند سطر بنویسید.

آیا تاکنون نمک خدا را خورده‌ای؟



ملاً محمّد تقی مردی بسیار مؤمن و خوش نام بود. روزی مردی نزد او آمد و گفت: «همسایه‌ای دارم که در خانه‌ی خود، افراد بیکار و خوشگذران را جمع کرده و با رفتار زشت خود تا صبح، آسایش را از ما گرفته است. امیدوارم برای این مشکل، راه حلّ مناسبی پیدا کنید.»

ملاً محمّد تقی فرمود: «برو همسایه‌ات را، برای صرف شام به منزل دعوت کن، مرا نیز از تاریخ این میهمانی آگاه ساز.» آن مرد در روزی معین همسایه را به منزلش دعوت کرد و از او خواست تا دوستان خود را نیز بیاورد. مرد همسایه از این دعوت شگفت زده شد؛ امّا قول داد با دوستانش به این میهمانی بیایند. شب میهمانی فرا رسید. ملاً در گوشه‌ای از خانه منتظر میهمانان نشسته بود. ناگهان دید میهمانان با ساز و آواز وارد شدند. آنان از دیدن ملاً محمّد تقی

بسیار متعجب شدند و از یکدیگر پرسیدند: «او اینجا چه می‌کند؟ حالا چگونه امشب را خوش بگذرانیم؟ اصلاً چه کسی جرئت می‌کند، جلوی این مرد معصیت کند؟»

همسایه تصمیم گرفت تا کمی با ملامحمد بحث کند و با دوستانش سر به سراو بگذارند، پس گفت: «حضرت آیت الله! راهی که شما در زندگی دنبال می‌کنید، بهتر است، یا راهی که ما می‌رویم؟!»

مرد میهمان منتظر بود تا ملامحمد شروع به نصیحت کند؛ اما ملامحمد با آرامش گفت: «ابتدا هر کدام راه خود را می‌گوییم؛ سپس قضاوت می‌کنیم.»
مرد میهمان گفت: «ما در فرهنگ خودمان حرف‌های بسیاری داریم؛ مثلاً ما عقیده داریم هرگاه نمک کسی را خوردیم، نمکدان را نمی‌شکنیم و به آن فرد خیانت نمی‌کنیم.»

ملامحمد تقی گفت: «اما من ادعای شما را قبول ندارم.» مرد میهمان گفت: «ولی این قانون من و دوستانم است و همیشه آن را رعایت می‌کنیم.» ملامحمد تقی با اطمینان خاطر گفت: «چندسال از عمر شما گذشته است؟» مرد پاسخ داد: «شصت سال.» ملامحمد گفت: «در این شصت سالی که نمک خدا را خورده‌ای، حق نمک خدا را به جا آورده‌ای؟» مرد حیرت زده شد. سر به زیر انداخت و اشکش جاری شد. شب تا صبح در فکر سخنان علامه بود. صبح روز بعد، مرد در خانه‌ی محمد تقی را به صدا درآورد. ملامحمد گویی منتظر میهمان بود؛ در را باز کرد و با خوش رویی گفت: «خوش آمدی، بفرمایید برادر من» مرد با فروتنی توبه کرد و از رفتار زشتش دست برداشت و از نیکان روزگار شد.

با هم گفت و گو کنیم

– امر به معروف؛ یعنی، دعوت مردم به انجام دادن کار درست و شایسته، در این باره گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– خاطره یا تجربه‌ای از تأثیر برخورد خوب با دیگران، بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

روش تربیتی اسلام چنین است که مسلمان نسبت به آنچه در اطرافش رخ می‌دهد، بی تفاوت نیست. او در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، مسئولیت دارد و باید سعی کند تا آنجا که در توان دارد، در اصلاح رفتار دیگران بکوشد. امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «هر کسی مشاهده کند، برادر دینی‌اش کار نادرستی انجام می‌دهد و او با داشتن قدرت و توان، او را از انجام دادن آن کار باز ندارد، به او خیانت کرده است.»

بنویسیم

– به جای کلمه‌های مشخص شده در متن کلمه‌های زیر را جایگزین کنید.

داوری – خوردن – متعجب – تعیین شده – اول
همسایه‌ات را برای صرف شام در منزل دعوت کن – مرا نیز از تاریخ این میهمانی آگاه‌ساز.

آن مرد در روزی معین همسایه را به منزلش دعوت کرد و از او خواست تا دوستانش را با خود بیاورد.

مرد همسایه از این دعوت شگفت زده شد.
ابتدا هر کدام راه خود را می گوئیم، سپس قضاوت می کنیم.

– هم خانواده کلمه های زیر را بنویسید:

.....	بحث:	نیکان:
.....	منتظر:	صرف:
.....	حق:	اطمینان:

نکته

– به جمله های زیر توجه کنید.

ملا محمد تقی فرمود:

همسایه تصمیم گرفت.

مرد حیرت زده شد.

در جمله های بالا کلمه های (ملا محمد تقی - همسایه - مرد) اسم هستند.

اسم کلمه ای است که برای نامیدن اشخاص یا اشیا به کار می رود.

– حالا درس را بخوانید و پنج اسم از درس انتخاب و چند جمله بنویسید:

.....

.....

.....

چوب درخت به



« امیر نصر سامانی » در زمان کودکی معلّمی داشت که علوم گوناگون و خواندن قرآن را به او می‌آموخت. گاهی هم او را با چوب تنبیه می‌کرد. امیر نصر همیشه با خود می‌گفت: « امیدوارم روزی پادشاه این سرزمین شوم و تلافی این چوب‌ها را سر استاد درآورم. »

عاقبت امیر نصر سامانی به پادشاهی رسید. شبی، ناگهان به یاد معلّم دوران کودکی خود افتاد. صبح روز بعد به یکی از خدمتگزاران گفت: « برو از باغ قصر چند چوب بلند و محکم از درختان « به » بپُر و برای من بیاور. » به خدمتکار دیگری دستور داد: برو معلّم را پیدا کن و به قصر بیاور.

خدمتگزار معلّم را یافت. به او گفت: باید به قصر بروی. معلّم از او پرسید: « پادشاه در چه حالی بود که به یاد من افتاد؟ » خدمتگزار گفت: « نمی‌دانم، اما همکار مرا فرستاد تا چند چوب از درخت به برایش بیاورد. » معلّم فهمید که پادشاه به فکر انتقام جویی است؛ چون همیشه امیر نصر را با چوب درخت به تنبیه می‌کرد. به ناچار همراه خدمتکار به طرف قصر به راه افتاد.

در راه به یک دکان میوه فروشی رسید. سگه‌ای داد و یک به خوش رنگ و رسیده خرید و آن را زیر لباس خود پنهان کرد.

وقتی پیش پادشاه رسیدند، پادشاه یکی از چوب‌ها را برداشت و در هوا تکان داد و گفت: «چطوری آقا معلّم؟ نظرت درباره‌ی چوب درخت به چیست؟»

معلّم به را از زیر لباسش بیرون آورد و گفت: «نظرم این است که این میوه‌ی رسیده از همان چوب‌ها به عمل آمده است.» امیر نصر جا خورد و از حرف معلّم خوشش آمد. آموزگار خود را با ادب و احترام و دادن هدیه‌های گرانبها به خانه فرستاد و از گرفتن انتقام پشیمان شد.

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی انتقام یا عفو و بخشش باهم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– اگر درباره‌ی احترام به استاد یا معلّم خاطره‌ای دارید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

داستانی که خواندید از کتاب جوامع‌الحکایات است. این کتاب را محمّد عوفی نوشته است. در این کتاب داستان‌های کوتاه و بلند فراوانی به چشم می‌خورد که موضوع آنها مذهبی، تاریخی و اخلاقی است. در میان داستان‌ها، لطیفه‌های ادبی دلنشینی به چشم می‌خورد.

- با کلمه‌های زیر جمله بسازید.

تکان تکان:

آرام آرام:

کم کم:

- چرا امیر نمرسامانی از گرفتن انتقام پشیمان شد؟ در چند جمله بنویسید.

.....

- مانند نمونه عبارت‌های زیر را کامل کنید.

گِران + بها = گِران بها میوه + فروش = میوه فروش

کم + بها = طلا + = طلا فروش

نیم + بها = خوب + فروش =

- به عبارت‌های زیر توجه کنید.

معلم از او پرسید.

همراه خدمتکار به طرف قصر راه افتاد.

کلمه‌ی معلم و قصر اسم مفرد هستند که برای نامیدن یک شی یا یک

شخص به کار می‌روند.

هر گاه کلمه‌ای برای نامیدن یک شی یا یک شخص به کار رود، به آن کلمه، اسم مفرد می‌گویند.

- به جمله‌های زیر توجه کنید:

- پادشاه یکی از **چوب‌ها** را برداشت.

- **درختان** در بهار سرسبز هستند.

- علی در **تعطیلات** به شیراز سفر کرد.

در جمله‌ی اوّل « **چوب‌ها** » و در جمله‌ی دوم « **درختان** » و در جمله‌ی سوم « **تعطیلات** » جمع هستند که برای نامیدن بیش از یک شی یا یک شخص به کار می‌رود. این کلمه‌ها اسم جمع هستند.

هر گاه کلمه‌ای برای نامیدن بیش از یک شی یا یک شخص به کار رود، به آن کلمه اسم جمع می‌گویند.

- پنج اسم بنویسید و جمع و مفرد بودن آن را مشخص کنید.

.....

.....

.....

.....

درست مصرف کنیم

کشور ایران منابع طبیعی زیادی دارد. از این منابع می‌توان به گاز، نفت، آب و ذخایر دیگر اشاره کرد. این منابع الهی به دلیل مصرف بیش از حد، رو به نابودی هستند. پس باید در مصرف درست این نعمت‌های ارزشمند، توجه زیادی بکنیم. با مصرف درست بهره‌برداری بهتری را داشته باشیم. شاید برای شما این سؤال پیش آید که چگونه باید



این کار را انجام دهیم؟ در پاسخ باید گفت: «اگر همیشه به دنبال راه‌های جدید برای درست مصرف کردن انرژی باشیم؛ تا حدّ زیادی می‌توانیم به اقتصاد خانواده و جامعه کمک کنیم.» برای مثال، در زمینه‌ی مصرف برق می‌توان به لامپ‌های کم مصرف که عمر بیشتر و مصرف برق کمتری دارند، اشاره کرد. همچنین باید از وسایلی که دارای برچسب انرژی و علامت استاندارد هستند، استفاده کنیم. این گونه وسایل بازده زیاد و مصرف کمتری را دارند.

برچسب مصرف انرژی یخچال فریزر	انرژی
بازدهی بیشتر	
A	
B	
C	
D	
E	
F	
G	
بازدهی کمتر	B

همچنین از وسایل برقی در زمان اوج مصرف کمتر استفاده کنیم. عایق‌بندی دیوار و سقف خانه و لوله‌ها در مصرف بهینه‌ی گاز و برق بسیار مؤثر است. حتی دو جداره کردن پنجره‌ها، مانع نفوذ سرما در زمستان و گرما در تابستان به داخل خانه می‌شود. در مصرف آب هم باید صرفه‌جویی کنیم. کشاورزان هم می‌توانند از آبیاری قطره‌ای و یا تحت فشار استفاده کنند تا آب هدر نرود و زمین‌های بیشتری زیر کشت برود.

با هم گفت و گو کنیم

- چند مورد از راه‌های درست مصرف کردن انرژی (آب - برق - گاز) را نام برده و درباره‌ی آنها گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

- تاکنون از مصرف صحیح آب و برق یا... چه فایده‌هایی برده‌اید؟ برای هم دیگر تعریف کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

خانه‌هایی که قبلاً ساخته می‌شد، انرژی زیادی را هدر می‌داد. برای همین متخصصان و طراحان به فکر افتادند تا راهی را بیابند که جلوی هدر رفتن انرژی را بگیرند. آنان با کمک علم و فن‌آوری، خانه‌هایی را ساختند که دیوار و سقف آنها می‌تواند نور خورشید را به خود جذب کند و به خانه گرمای مناسبی بدهد. همچنین عایق‌بندی کردن ساختمان‌ها از هدر رفتن انرژی جلوگیری می‌کند.

بنویسیم

- هم معنی کلمه‌های زیر را پیدا کنید و در جای خالی بگذارید.

زوال - اوج - نفوذ - ارزشمند - بازده - بهینه - هدر

بالا: وارد شدن: نابودی:

با ارزش: نتیجه: بی‌فایده:

بهترین:

- کلمه‌های زیر را به صورت جمع بنویسید.

درخت: شکوفه:

کودک: تحصیل:

- با کلمه‌های زیر جمله بسازید.

.....	منابع طبیعی
.....	مفید
.....	مصرف

نکته

در کشور ایران منابع طبیعی زیادی وجود دارد.

علی دروس گذشته را مرور کرد.

در جمله‌های بالا به کلمه‌های منابع، دروس که معنی جمع می‌دهند، اما

علامت جمع (ها-ان - ات) را ندارند. جمع مکسر می‌گویند.

به این نوع کلمه‌ها که جمع هستند؛ اما علامت جمع (ها-ان - ات) را ندارند،

جمع مکسر می‌گویند. این نوع جمع قاعده خاصی را ندارد و از زبان عربی

وارد زبان فارسی شده‌اند.

- حالا شما جمع مکسر این کلمه‌ها را بنویسید.

مسئله فن مسجد

شوق دیدار

علی آن شیر خدا شاه عرب اُلُفَّتِ دَاثَةً اسْتَبَاوِلْ شَب
 ناشناسی که به تاریکی شب می برد، شام یتیمان عرب
 عشق بازی که هم آغوش خطر خُفَّتْ دُرْ خَوَاکِبِکَ پَنُغْمَبِر
 آن دم صبح قیامت تاثیر حلقه می در، شد از او دامنگیر
 دست در دامن مولا زد که علی بگذر و از ماگذر
 شال می بست و ندایی مبهم که کمر بند شهادت محکم!
 پیشوایی که ز شوق دیدار می کند، قاتل خود را بیدار
 می زند پس لب او کاسه می شیر می کند، چشم اشارت به اسیر
 شبروان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی

«شهریار»

با هم گفت و گو کنیم

– دو صفت از صفات حضرت علی (ع) شجاعت و بردباری است. در این باره با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– برداشت خود را از شعر برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

وقتی دشمنان پیامبر(ص) تصمیم گرفتند به هر قیمتی شده پیامبر(ص) را نابود کنند، حضرت علی(ع) فداکاری بزرگی کردند. با پذیرفتن خطر مرگ، در بستر پیامبر(ص) خوابیدند. دشمنان به هنگام حمله به بستر پیامبر(ص) با شیر مردی به نام علی(ع) رو به رو شدند که باعث وحشت و تعجب آنان شد. این ایثار و فداکاری یکی دیگر از صفات بزرگ حضرت علی(ع) است. (این شب به لیلة المبیت مشهور است)

بنویسیم

– با توجه به شعر درس مصرع دوم هر شعر را بنویسید.

..... ناشناسی که به تاریکی شب
..... پیشوایی که زشوق دیدار
..... دست در دامن مولا زد در

– هم‌معنی کلمه‌های زیر را با کمک دوستان خود بنویسید:

الفت: مبهم: ولا:
خُفت: اشارت: ندا:
دامنگیر: شبروان:

- جمع مگسر کلمه‌های زیر را بنویسید:

منبع: ذخیره: مثل: مجلس:

- «خفت در خوابگه پیغمبر» یک واقعه‌ی تاریخی است. در این باره با کمک دوستان خود، چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

نکته

در نومیدی بسی اُمید است پایان شب سیه سپید است

- به کلمه‌ی آخر مصراع اوّل و دوم توجه کنید. چه کلمه‌ای است؟

- به کلمه یا کلمه‌هایی که در پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها تکرار می‌شوند،

«ردیف» می‌گوییم. مانند:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه‌ی احزان شود، روزی گلستان غم مخور

در این بیت کلمه‌های «غم مخور» در آخر دو مصراع تکرار شده است.

- اکنون به کلمه‌های اُمید و سپید در بیت اوّل توجه کنید:

به کلمه‌هایی آخر مصراع‌ها یا بیت‌ها که دارای چند حرف مشترک هستند

«قافیه» می‌گوییم. مانند:

اُمید و سپید که حرف‌هایی «ید» در آنها مشترک است.

- به بیت دوم توجه کنید. کلمه‌هایی که قافیه هستند پیدا کنید و حرف‌های

مشترک آنها را بنویسید.

- با همکاری دوستان خود ردیف و قافیه هر کدام از بیت‌های زیر را مشخص

کنید و بنویسید:

دلی ساده و آسمانی بده

خدایا به ما مهربانی بده

یاد یار مهربان آید همی

بوی جوی مولیان آید همی

یکی از راه‌های تقویت نویسندگی و برقراری ارتباط، نوشتن نامه است. نامه‌انواعی دارد که بعضی از آنها عبارت‌اند از: نامه‌های دوستانه، رسمی و اداری.

برای نوشتن نامه باید نکته‌های زیر را رعایت کرد:

- ۱- کاغذ نامه تمیز و مناسب باشد.
- ۲- با خطّ زیبا و خوانا بنویسیم.
- ۳- از کلمه‌ها و عبارت‌های مناسب و زیبا استفاده کنیم.
- ۴- بر روی پاکت نامه، نشانی دقیق فرستنده و گیرنده‌ی نامه را بنویسیم.

نشانی فرستنده:

.....
.....

جای تمبر

کد پستی:

نشانی گیرنده:

.....
.....

– هم معنی، هم خانواده و مخالف کلمه‌های زیر را در جدول بنویسید.

مخالف (متضاد)	هم خانواده	هم معنی (مترادف)
.....: ابتدا:: تخریب:: آسایش:
.....: اسراف:: شوق:: الفت:
.....: پنهان:: شهادت:: توبه:

– کلمه‌ی «خبر» را با هریک از واژه‌های زیر ترکیب کنید.

چین: = + گزار: = +

بی: = + نگار: = +

– با هریک از کلمه‌های زیر یک جمله‌ی امری در دفترچه‌ی خود بنویسید.

بنویس - برو - نگو

– در جمله‌های زیر اسم را پیدا کنید و مفرد و جمع بودن را مشخص کنید.

حضرت علی (ع) فداکاری بزرگی کردند.

امیر شهریه ماهانه را پرداخت.

ما باید آب را درست مصرف کنیم.

قفسه‌ها را به دیوار محکم کنید.

- بیت‌های زیر را بخوانید و ردیف و قافیه را مشخص کنید.

در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفّت بیرون کند

- کلمه‌های زیر را با واژه‌های مناسب ترکیب کنید و با کلمه‌ی جدید در

دفترچه‌ی خود جمله بسازید. (گاه - خانه - مند - دار)

دانش + = گاز + =

کتاب + = علاقه + =

- در مورد راه‌های صرفه جویی چند سطر بنویسید:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مردان بی ادعا

آن روز سوادآموزان همراه آموزگار خود به گلزار شهدا رفته بودند تا از کسانی که جان خود را در راه اسلام عزیز فدا کرده‌اند، یادی کنند. نسیم خنکی می‌وزید. پرچم بالای مزار شهدا، به آرامی تکان می‌خورد. بوی گلاب فضا را معطر کرده بود. پس از قرائت فاتحه و شست و شوی مزار شهدا با آب و گلاب، خانم‌ها در گوشه‌ای نشستند. سارا خانم در حال پذیرایی از میهمانان از آموزگار سؤال کرد: «به نظر شما چگونه می‌توانیم راه شهدا را ادامه دهیم؟»



آموزگار گفت: باید وصیت‌نامه شهدا را بخوانیم و به آن عمل کنیم. همه‌ی شهیدان در وصیت‌نامه‌ی خود به پاسداری از خون شهدا و حفظ ارزش‌های اسلام و انقلاب سفارش کردند و اینکه ما باید از ولایت فقیه پیروی کنیم و از تجمل‌گرایی بپرهیزیم. وحدت خود را حفظ کنیم و مواظب حجاب و پاکدامنی خودمان باشیم.

بزرگانی مانند؛ امام علی (ع)، امام حسین (ع)، لقمان حکیم ، امام خمینی(ره) بهترین و کامل ترین وصیت نامه‌ها را نوشته‌اند.

آموزگار در این هنگام کتابی از کیف خود بیرون آورد. در آن کتاب زندگی نامه و وصیت نامه‌ی تعدادی از شهدا به چشم می خورد. صفحه‌ای از آن را باز کرد و وصیت یکی از شهدا را این گونه قرائت کرد:

« خدایا ! تو خالق و من بنده‌ای ضعیف. تو رحمانی و من بنده‌ای گناهکار، تو را شکر می گویم که به بنده‌ی خود منت نهادی و توفیق دادی که جهت یاری دینت به جبهه‌ی نبرد حق علیه باطل روانه شوم. راه شهیدان را ادامه دهید! در سختی‌های زندگی با کسانی رفت و آمد کنید که دینشان شما را به یاد خدا بیندازد.»

آن دم که به خون خود وضومی کردم دانی ز خدا چه آرزومی کردم؟
 ای کاش مرا هزار جان بود به تن تا آن همه را فدای او می کردم



با هم گفت و گو کنیم

– برای پاسداری از خون شهدا چه کارهایی باید انجام دهیم؟

از تجربه‌ها بگوئیم

– اگر درسی از وصیت‌نامه‌ی شهدا گرفته‌اید، برای یکدیگر بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

کوله پستی علی خیلی سنگین بود. آرام آرام در تاریکی شب به جلو می‌رفتیم؛ دشمن در فاصله‌ی ۲۰۰ متری ما بود. کوچک‌ترین صدا، آنان را متوجه ما می‌کرد. ناگهان منوری به کوله پستی علی برخورد کرد و نگاه‌ها به طرف او برگشت. هیچ کسی نمی‌توانست حرکت کند. کوله پستی آتش گرفته بود.

دشمن از فاصله‌ی دور شعله‌ی آتش را می‌دید. باید گمان می‌کردند که بوته‌ای خار است و گرنه همه‌ی نقشه‌ها لو می‌رفت. کم کم هوا روشن شد. آنچه می‌دیدیم باور کردنی نبود. لباس علی همراه با کوله پستی‌اش سوخته و به بدنش چسبیده بود. علی به سینه روی زمین دراز کشیده بود و با چفیه‌اش جلوی دهنش را محکم گرفته بود که نکند صدایش بلند شود و عملیات لو برود. آری! «علی عرب» نوجوان ۱۶ ساله‌ی بسیجی بود که این گونه به دیدار معشوق شتافت. یاد و خاطره‌ی شهدای بسیجی گرامی باد.

- هم معنی کلمه‌های زیر را در جای مناسب قرار دهید:

به کسی یا چیزی نزدیک شدن - بخشاینده و مهربان - پاکدامنی -

سربلندی - خواندن - خوشبو - درخشان - دعوی کردن بر کسی

کلمه هم معنی کلمه هم معنی

ادّعا: عفت:

معطر: قرائت:

رحمان: سرافراز:

متور: توّسل:

- درباره‌ی شهیدان راه خدا چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

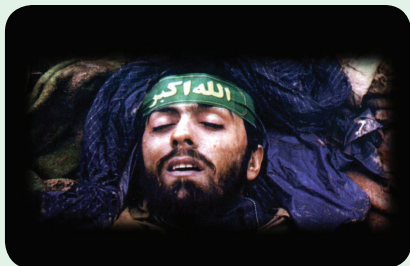
- مانند نمونه کلمه‌های زیر را با واژه «انه» و «ناک» ترکیب کنید.

دختر + انه = دخترانه درد + ناک = دردناک

صبح + انه = ترس + =

آگاه + = وحشت + =

– در مورد یکی از تصویرهای زیر به دلخواه چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.



– از روی شعر زیر با خطّ خوش در دفترچه‌ی خود بنویسید:

آن دم که به خون خود وضومی کردم دانی
ای کاش مرا هزار جان بود به تن
ز خدا چه آرزومی کردم
تا آن همه رافذی اومی کردم

– ردیف و قافیه‌ی شعر بالا را مشخص کنید.

نکته

به جمه‌های زیر دقت کنید.

سوادآموزان همراه آموزگار به گلزار شهدا رفتند.

امام علی (ع)، امام حسین (ع) و لقمان حکیم بهترین وصیت‌نامه‌ها را نوشتند.

در جمله‌ی اول کلمه‌های سوادآموزان – آموزگار و شهدا اسم **عام** هستند.

کلمه‌هایی مانند امام علی (ع) امام حسین (ع) و لقمان حکیم اسم **خاص** هستند.

به اسمی که شامل همه‌ی افراد هم جنس می‌شود، مانند کلمه‌ی شهید که شامل همه‌ی شهیدان می‌شود، اسم **عام** می‌گویند.

به اسمی که برای فرد یا افراد مخصوص و معینی به کار برده می‌شود و شامل همه‌ی افراد هم جنس نمی‌شود، مانند کرمان، لقمان حکیم، اسم **خاص** می‌گویند.

– در جمله‌های زیر اسم عام و خاص را مشخص کنید.

زلزله لرزش ناگهانی زمین است.

خدمتگزار به معلم گفت: باید به قصر برود.

عاقبت امیر نصر سامانی به پادشاهی رسید.

رازداری



شیخ ابوسعید یکی از عارفان بزرگ بود. او مُریدی داشت که هر روز بعد از درس نزد شیخ می‌آمد و از او می‌خواست که نکته‌ای از اسرار حق را به او بیاموزد.

شیخ چون می‌دانست که او هنوز برای دانستن اسرار حق، آمادگی ندارد، امروز و فردا می‌کرد. به او می‌گفت: «باید خیلی صبر کنی!» روزی مُرید صبرش تمام شد و بر خواسته‌ی خود پافشاری کرد. سرانجام شیخ وقتی اصرار

مُردش را دید، جعبه‌ای در بسته به او داد و گفت: «در این جعبه، چیز مهمی قرار داده‌ام. این یک راز است! از آن به خوبی مراقبت کن. در آن را باز مکن. به کسی چیزی مگو. چند روز دیگر نزد من بیا تا چند نکته از اسرار حق را به تو بیاموزم!» مُرید خوشحال شد و با شتاب به خانه رفت.

با خود گفت: «من دیگر نمی‌توانم صبر کنم. شیخ هم که اینجا نیست. بهتر است که در جعبه را باز کنم و ببینم که داخل آن چیست؟»

همین که در جعبه را باز کرد، موشی از آن بیرون پرید. مُرید بسیار ناراحت شد. روز بعد نزد شیخ رفت و گفت: «اُستاد گرامی، من از تو اسرار حق را می‌خواستم؛ اما تو به من موشی دادی!» شیخ گفت: «عجب به سخنان من عمل کردی!»

تو که نتوانستی موشی را در جعبه نگه‌داری، چگونه می‌توانی اسرار حق را در دل جای دهی؟! در حالی که به تو گفتم، این یک راز است و تو باید از آن مراقبت کنی، اما این کار را نکردی. مُرید شرمگین شد و دانست که هنوز شایستگی راز داری را ندارد.»

با هم گفت و گو کنیم

– آیا انسان می‌تواند هر رازی را با هرکسی در میان بگذارد؟ در این مورد گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگویم

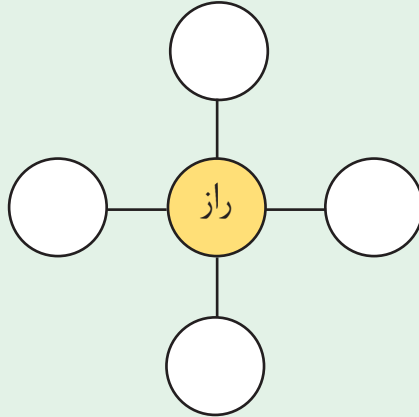
– اگر در زندگی خاطره‌ای از رازداری دارید، برای دوستان خود بازگو کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

رازی که داری به کسی، حتی دوست نزدیک خود هم مگو، شاید روزی این دوست با تو دشمن شود و راز تو را به دیگران بگوید. رازی را که می‌خواهی پنهان بماند، با دیگران هم در میان مگذار! حتی اگر دوست نزدیک تو باشد؛ زیرا این دوست، دوستان نزدیکی دارد و راز تو را با آنان در میان می‌گذارد. سرانجام روزی می‌رسد که همه از راز تو با خبر شوند.

- هم معنی کلمه‌ی راز را پیدا کرده و شکل زیر را کامل کنید.

آرزو- سرّ- رمز- علاقه- رموز- شاد- اسرار



- جمله‌های زیر را با توجه به متن درس کامل کنید.

..... شیخ امروز و فردا می‌کرد و به

..... در این جعبه چیز مهمّی قرار داده‌ام و این یک راز است که

..... مرید همین که در جعبه را باز کرد

- مانند نمونه واژه‌های زیر را ترکیب کنید.

شرمگین : شرم + گین = + = اندوهگین

خشمگین : + = + = غمگین

- رازداری صفت پسندیده‌ای است، در مورد آن چند سطر در دفترچه‌ی

خود بنویسید.

- در جمله‌های زیر اسم عام و خاص را مشخص کنید.
شیخ ابو سعید یکی از عارفان بزرگ بود.
موش از جعبه بیرون جَست.

نکته

به جمله‌های زیر دقت کنید.

این یک راز است.

او شرمگین شد.

در جمله‌ی اوّل کلمه‌ی راز کلمه‌ای ساده است و از یک جز تشکیل شده است.

در جمله‌ی دوم کلمه‌ی شرمگین کلمه‌ی غیر ساده است که از دو جز (شرم + گین) تشکیل شده است.

کلمه‌های ساده: کلمه‌هایی هستند که فقط یک جز دارند.

کلمه‌های غیر ساده: کلمه‌هایی هستند که بیش از یک جز دارند.
به این کلمه‌ها، مرکب نیز می‌گویند.

- حالا چهار کلمه ساده و غیرساده از درس پیدا کنید و در دفترچه‌ی خود بنویسید.

کشاورزی

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «هرکسی درختی بکارد و از آن مراقبت کند تا بزرگ شود و میوه دهد، در جهان آخرت پاداش خواهد گرفت.»

آباد کردن زمین و کاشتن درختان در فرهنگ اسلامی جایگاه خاصی داشته است. انسان‌ها برای زنده ماندن و تولید انرژی و کارکردن به غذا نیاز دارند. آنان غذای مورد نیاز خود را از گیاهان و جانوران تهیه می‌کنند. بنابراین انسان یکی از راه‌هایی را که برای ادامه‌ی زندگی خود انتخاب کرد، کشاورزی بود.



برای کشت هر محصول باید به نوع آب و هوای آن منطقه توجه کنیم تا بتوانیم محصولات بیشتر و بهتری را برداشت کنیم. گندم و جو از مهم‌ترین محصولات کشاورزی مورد نیاز کشور ماست که در بیشتر نواحی ایران کشت می‌شوند. گاهی تولیدکنندگان محصولات کشاورزی به دلیل نداشتن امکانات لازم برای عرضه محصول خود به بازار، مجبور می‌شوند تا محصولات خود را با کمترین قیمت بفروشند و یا محصولات خود را برداشت نکنند. همچنین به دلیل مشکلات حمل و نقل و نامناسب بودن بسته‌بندی‌ها، آسیب زیادی به کشاورزان این طبقه‌ی زحمتکش، وارد می‌شود. کشورما از نظر تنوع تولید محصولات باغی دارای مقام سوم جهان است. همچنین ایران در تولید پسته، زعفران، خرما، انار و زرشک دارای رتبه‌ی اول در جهان است.

ما بکاریم و دیگران بخورند

دیگران کاشتند و ما خوردیم

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی تصویرهای زیر باهم بحث و گفت و گو کنید.



از تجربه‌ها بگوئیم

– چنانچه تا به حال درختی کاشته‌اید و یا خاطره‌ای در این مورد دارید، برای دوستانتان بازگو کنید.

حضرت علی (ع) به کشاورزی توصیه‌ی فراوان می‌کرد. علاوه بر این، خود آن حضرت، کشاورزی نمونه بود. توصیه‌ی اسلام به امر مقدّس کشاورزی باعث شده که زمین‌ها آباد شوند و همه‌ی مردم از سفره‌ی گسترده‌ای که خداوند جهان در زمین قرار داده است، بهره‌مند شوند. کشاورز همه‌ی امیدش به خدای متعال است.

- در متن زیر به جای کلمه‌های مشخص شده کلمه‌ی مناسب بنویسید.
صدمه - گروه - جابه‌جایی - گوناگونی
- به دلیل مشکلات حمل و نقل و نامناسب بودن بسته‌بندی‌ها آسیب زیادی به کشاورزان این طبقه‌ی زحمت‌کش وارد می‌شود. کشور ما از نظر تنوع و تولید محصولات باغی، دارای مقام سوم جهان است.
- جمله‌های زیر را با توجّه به متن درس کامل کنید.
هر کس درختی بکارد واز آن مراقبت کند در جهان آخرت
گندم و جو از هستند.
کاشتن درخت در فرهنگ اسلامی داشته است.

– در مورد کشاورزی و اینکه کشاورزی تا چه اندازه به اقتصاد کشور ما کمک می‌کند، چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

– درباره‌ی راه‌های حمایت از تولیدات داخلی کشور باهم فکری اعضای خانواده چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

– در جمله‌های زیر کلمه‌ی ساده و غیرساده را مشخص کرده و در جدول زیر قرار دهید.

ایران محصولات کشاورزی زیادی دارد.

برای کشت هر محصول باید به نوع آب و هوای آن منطقه توجه کنیم.

کشاورزان زحمت زیادی می‌کشند.

کلمه‌ی غیرساده	کلمه‌ی ساده
.....
.....
.....

– این بیت را با خط زیبا در دفترچه‌ی خود بنویسید:

دیگران کاشتند و ما خوردیم ما بکاریم تا دیگران بخورند

- ما باید از درختان مراقبت کنیم.
- گندم و جو از مهم ترین محصولات کشورماست.
- برای کشت هر محصول باید به نوع آب و هوای آن منطقه توجه کنیم.
- در جمله‌های بالا (و- از، برای، به) حرف اضافه هستند.

حروفی که به تنهایی معنی نمی‌دهند و از آنها برای کامل کردن جمله استفاده می‌شود، حروف اضافه می‌گویند، مانند: (از- به- با- برای - چون)

- حالا شما چند جمله را بنویسید که حرف اضافه داشته باشند.

.....

.....

.....

.....

.....

مکافات عمل

کدخدایی گله‌ی بزرگ گوسفندی داشت. آنها را به دست چوپانی سپرده بود. چوپان هر روز گله را به صحرا می‌برد و هنگام غروب آنها را بر می‌گرداند و سپس به دوشیدن گوسفندان مشغول می‌شد. کدخدا شیرها را از چوپان می‌گرفت و به آنها آب اضافه می‌کرد تا مقدار شیرها بیشتر شود و آنها را به مردم می‌فروخت.

چوپان که مرد درستکار و با ایمانی بود، از این کار کدخدا ناراحت می‌شد و او را نصیحت می‌کرد که دست از این کارها بردار! اما کدخدا که مرد طمع کاری بود، به سخنان پندآموز چوپان توجهی نمی‌کرد و به کار خود ادامه می‌داد.



روزی از روزها هنگامی که چوپان گله را به نزدیک کوهی در صحرا برده بود؛ ناگهان هوا ابری شد. بارانی سخت از آسمان شروع به باریدن کرد. شدت باران آن چنان بود که کم کم تبدیل به سیل شد و گله را با خود برد.

روزی از آن کوه به صحرایِ خاک سیل درآمد رَمه را بُرد پاک

چوپان که بالای درختی رفته بود، نجات پیدا کرد. پس از آرام گرفتن سیل به ده برگشت. وقتی کدخدا دید چوپان بدون گله برگشته است، بسیار نگران و هراسان شد. از چوپان پرسید: «گله کجاست؟ چرا تنها برگشتی؟»

چوپان جواب داد: «سیل گله را برد و من نتوانستم گوسفندان را نجات دهم.» کدخدا در حالی که از ناراحتی بر سر خود می‌کوبید، فریاد زد و گفت: «وای! خاک بر سرم شد! بیچاره شدم! سیل دیگر از کجا پیدا شد؟» چوپان گفت:

آن همه‌ی آب که در شیر بود شد همگی، سیل و رَمه را رُبود

آن آب‌هایی که تو در شیر می‌کردی و به مردم می‌فروختی، کم کم تبدیل به سیل شد و گله‌ی گوسفندان را با خود برد. چقدر به تو نصیحت کردم که از ریختن آب در شیر خود داری کن تا به خشم خداوند دچار نشوی! خداوند صبور است؛ اما صبر او هم اندازه‌ای دارد. هرگاه ببیند که انسانی، حقوق دیگران را رعایت نمی‌کند و به آنان ظلم و ستم می‌کند، سرانجام او را مکافات می‌کند تا درس عبرتی برای دیگران شود. کدخدا متوجه کار اشتباه خود شد و از اعمال بد خود پشیمان گردید؛ اما افسوس که دیگر پشیمانی سودی نداشت!

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی مکافات عمل باهم گفت گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم

– اگر تجربه‌ای درباره‌ی مکافات عمل دارید یا شنیده اید؛ برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

کسی که چوب در لانه زنبور می کند، زنبورها به او حمله می کنند و او را از پای در می آورند.
هر کار بد و گناه در زندگی افراد، اثر بدی می گذارد. همان طور که غذای ناسالم و مسموم در انسان تأثیر بد خواهد داشت و موجب بیماری او می شود. کارهای نیکی که انسان انجام می دهد، هم در دنیا و هم در آخرت به او باز می گردد.

بنویسیم

– هم معنی کلمه‌های زیر را پیدا کرده و بنویسید.

مکافات: رمه: رُبُود:

طمع: هراسان: صبور:

- مخالف کلمه‌های زیر را در جدول رو به رو بنویسید.

					زیاد:
					درست:
					غروب:
					سختی:

- حرف اضافی مناسب را در جای خالی بنویسید.

از- به - برای - تا

چوپان هر روز گله را صحرا می برد و هنگام غروب آنها را
بر می گرداند.

کدخدا شیرها را چوپان می گرفت و به آنها آب اضافه
می کرد مقدار شیرها بیشتر شود.

نکته

کدخدایی گله‌ی بزرگ گوسفندی داشت.

چوپان هر روز گله را به صحرا می برد.

کلماتی مانند کدخدا و چوپان **فاعل** هستند.

فاعل: کلمه‌ای است که **کاری** یا **فعلی** را انجام می دهد.

- سه سطر اول درس را بخوانید و فاعل را مشخص کنید در دفترچه ی

خود بنویسید.

کاسه‌ی چوبی



ضعف و پیری چنان وجودش را گرفته بود که دیگر چشم هایش از دیدن، گوش هایش از شنیدن و پاهایش از رفتن باز مانده بود. پسر و عروس که از طول عمر پیرمرد به تنگ آمده بودند، جدا از جمع سفره‌ای را در گوشه‌ای از

آشپزخانه برای او می‌انداختند. روزی عروس ظرف آشی را برای مرد برد. هنگام خوردن غذا، دست‌های لرزان پیرمرد تاب مقاومت نیاورد. ظرف از دستش افتاد و آش‌ها بر زمین ریخت. عروس غرغر کنان شکسته‌های کاسه‌ی چینی را جمع کرد و زمین را شست. آن روز پیرمرد را از غذا خوردن محروم کردند. عروس خود خواه از آن به بعد غذا را در ظرف چوبی به او می‌داد. پیرمرد قلبش شکست و آهی کشید، اما کاری از دستش بر نمی‌آمد.

چند روز بعد، پسر و عروس دیدند کودک خردسالشان، چوبی برداشته با میخ و چکش، سر و صدایی به راه انداخته است.

مادر پرسید: «عزیزم! چه می‌کنی؟» بچه پاسخ داد: «برای زمان پیری تو و پدرم ظرف چوبی درست می‌کنم.» نگاه‌های عبرت آموز زن و شوهر به هم دوخته شد. قطره‌های پر معنای اشک بر گونه‌های آنان غلتید و فهمیدند، هر عملی که نسبت به پدر بزرگ انجام می‌دهند، از فرزندشان دریافت خواهند کرد. آن گاه همه‌ی وسایل لازم و کافی را برای استراحت و پذیرایی از پدر بزرگ آماده کردند.

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی این داستان با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– اگر خاطره یا تجربه‌ای شبیه به داستان کاسه‌ی چوبی دارید، برای دوستان خود تعریف کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «نگاه محبت‌آمیز به چهره‌ی پدر و مادر عبادت است.» همچنین پیامبر (ص) می‌فرمایند: «عاق والدین و نافرمانی از آنان از گناهانی هستند که در این جهان نیز کیفر داده می‌شود. خداوند بزرگ از همه‌ی گناهان، هرچه را بخواهد، کیفرش را تا روز رستاخیز به عقب می‌اندازد؛ جز نارضایتی پدر و مادر که مجازات آن را در زندگی پیش از مرگ می‌دهد.»

بنویسیم

– هم معنی کلمه‌های زیر را بنویسید.

پند- چیره- آگاه - توان

تاب: عبرت:

مسلط: مطلع:

– با توجه به متن درس جمله‌های زیر را کامل کنید.

..... هنگام غذا خوردن دست‌های لرزان پیرمرد تاب

..... پیرمرد را از غذا خوردن

..... نگاه عبرت‌آموز زن وشوهر به هم

– با شنیدن کلمه‌های زیر به یاد چه چیزهایی می‌افتید؟

<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	مادر:
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	احترام:
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	اشک:

– فاعل جمله‌های زیر را مشخص کنید و زیر آن خط بکشید.

۱- کودک خردسال با چوب، میخ و چکش سر و صدایی به راه انداخت.

۲- عروس ظرف آتش را برد.

۳- سیل گله را با خود برد.

– داستان کوتاهی درباره‌ی نتیجه‌ی احترام به پدر و مادر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

پیرمرد ظرف آشی را برد.

علی شیشه را شکست.

عروس غذا را در ظرف چوبی گذاشت.

در جمله‌های بالا ظرف آشی - شیشه و غذا مفعول هستند.

مفعول: اسم یا کلمه‌ای است که کار یا حالتی بر آن واقع می‌شود. مفعول معنی جمله را تمام می‌کند و همیشه با «را» می‌آید.

- مفعول را در جمله‌های زیر مشخص کنید و زیر آن خط بکشید.

او تمام وسایل را آماده کرد.

سواد آموز کتاب را آورد.

من، علی را در کتابخانه دیدم.

تمرین دوره ای (۳)

شیر در دوران کودکی، جوانی و... نقش مهمی در تغذیه دارد. به هنگام وقوع زلزله از اشیاء سنگین مانند: کمد، قفسه‌ها و... فاصله بگیرید. در جمله‌ی اول به جای کلمه‌ی میانسالی - پیری سه نقطه می‌گذاریم. در جمله‌ی دوم نیز به جای کلمه‌ی تابلو- لوستر سه نقطه می‌گذاریم. با گذاشتن سه نقطه به جای بعضی کلمه‌ها از توضیحات اضافی و طولانی شدن جمله‌ها جلوگیری می‌کنیم.

- هم معنی، هم خانواده و مخالف کلمه‌های زیر را در جدول بنویسید.

مخالف	هم خانواده	هم معنی
پیر:	اعمال:	آسیب:
پنهان:	شوق:	تنوع:
مشکل:	محصول:	توصیه:
لاغر:	مطبوع:	عبرت:

- در جمله‌های زیر فاعل و مفعول را مشخص کنید.

خانم آموزگار به کلاس آمد.

کشاورزان محصول خود را برداشت کردند.

پزشک علت بیماری را توضیح داد.

- با هریک از واژه‌های (سار- گر- گین) کلمه‌ای بنویسید و سپس با هر کلمه یک جمله بسازید.

..... = سار +

..... = گر +

..... = گین +

- در عبارت‌های زیر جمله‌های ساده و مرکب را مشخص کنید.
چشم‌های فاطمه خانم ضعیف شده بود، به طوری که نوشته‌های کتاب را نمی‌توانست بخواند.

غلام ظرف خربزه را جلوی او گرفت.
شدت باران آن چنان بود که تبدیل به سیل شد.

- کلمه‌های ساده و غیر ساده زیر را در جای مناسب بنویسید.

شرمگین - مرید - دودکش - خوشحال - ایمنی - راز

کلمه غیر ساده	کلمه ساده
.....
.....
.....
.....

اشک یتیم

روزی گذشت پادشاهی از گذر گهی
 فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
 پرسید، زان میانه یکی کودک یتیم
 کاین تاناک چیست که بر تاج پادشاست؟
 آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست؟
 پیدا ست آتقدیر که مناعی گران بهاست
 نزدیک رفت پسر زنی، گوژ پشت و کفت:
 این اشک دیده می من و خون دل شاست
 ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
 این گرگ سالهاست که با گله آشناست
 آن پادشاه که مال رعیت خورد، گداست
 آن پارسا که ده خرد و ملک، رهن است
 بر قطره می سرشک یتیمان نظاره کن!
 تا بگری که روشنی کوهر از کجاست؟
 پروین، به کجروان سخن از راستی چه سود؟!
 کوآن چنان کسی که نرنجد ز حرف راست

(پروین اعتصامی)

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی اهمیت توجه به یتیمان از دیدگاه بزرگان دین با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– در مورد محبت به یتیمان و تأثیر آن در زندگی تان خاطره‌ای نقل کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

نوازش یتیم و محبت به او، موجب نرمی دل آدمی و از بین رفتن سختی دل می‌شود. کسانی که به یتیمان و فرزندان بی سرپرست توجه می‌کنند، نتیجه‌ی این عمل را در دنیا خواهند دید. امام علی (ع) می‌فرماید: «به یتیمان مردم، احسان و خوبی کنید تا به یتیمان شما، پس از مرگ احسان و خوبی شود.»

بنویسیم

– کلمه‌های هم معنی را جدا کنید و مانند نمونه کنار هم بنویسید.
نظارت، اشک، پارسا، تابناک، پرهیزکار، رعیت، سرشک، درخشان، کشاورز،
نگاه کردن

(پارسا پرهیزکار) (..... ،) (..... ،)

(..... ،) (..... ،)

- با استفاده از هر کلمه یک ضرب‌المثل در دفترچه‌ی خود بنویسید.

دست - خواستن - نشستن - حلوا

- جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب مانند نمونه کامل کنید.

به کسی که شعر می‌گوید، **شاعر** می‌گویند.

به کسی که مهارت دارد، می‌گویند.

به کسی که علم دارد، می‌گویند.

به کسی که نظم برقرار می‌کند، می‌گویند.

- در بیت زیر فاعل و مفعول را پیدا کنید و زیر آن خط بکشید.

«آن پارسا که ده خُرد و مُلک، رَهزن است» «آن پادشاه که مال رعیت
خورد، گداست»

- بیت زیر را با خط زیبا در دفترچه‌ی خود بنویسید.

برقطره‌ی سرشک تیمان نظاره کن!
تابگری که روشنی کوهر از کجاست

نکته

(کودکِ یتیم، اشکِ دیده، درِ خانه)

در ترکیبات بالا کلمه‌های «یتیم، دیده و خانه» که به کلمه‌های

«کودک، اشک و در» اضافه شده‌اند، **مضاف‌الیه** می‌گویند و به کلمه‌های

«کودک، اشک و در» که علامت کسره دارند و مضاف‌الیه به آنها اضافه

شده است، **مضاف** می‌گویند.

بنابراین:

به اسمی که به دنبال اسم دیگری می‌آید تا درباره‌ی آن توضیحی بدهد یا معنی آن را کامل کند، «مضاف‌الیه» می‌گویند.

به اسمی که مضاف‌الیه درباره‌ی آن توضیحی می‌دهد، «مضاف» می‌گویند.

– حالا شما با توجه به ترکیب‌های زیر جدول را کامل کنید.

طولِ عمر – درختِ گردو – کلاسِ ما

مضاف‌الیه	مضاف
.....
.....
.....

مناظره کدو با چنار

کدویی گفت روزی با چناری
 کشفانی شانه‌ایت را به هر سو
 که با این شانه‌ها حاصل چه داری؟
 ولی زین گسترش‌ها میوه‌ات کو؟
 من آن بی ساقه و بی شاخرم
 ترا حاصل چه زین بی برگ و باری؟
 گیاهم، لیک با خود میوه دارم
 بزرگی، حاصل آن، میوه داری
 چنارش گفت، با طعن و کنایه
 که ما را بس بود، این برگ و سایه
 کسان کز رنج گرماها رمیند
 به زیر سایه‌ی من آرمیند
 خدا باشد در این دنیای حاجات
 عطایش به قدر قابلیت

(پروین اعتصامی)

با هم گفت و گو کنیم

– از این شعر چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– اگر بخواهیم در جامعه از احترام و توجه دیگران برخوردار شویم، باید چگونه رفتار کنیم؟ اگر خاطره یا تجربه‌ای دارید، برای دیگران بازگو کنید.

شعر مناظره کدو با چنار اثر پروین اعتصامی است. او در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد. خانواده‌اش اهل علم و دانش بودند. او از کودکی به شعر و شاعری علاقه‌ی بسیاری داشت. اشعاری که می‌سرود، باعث تعجب اطرافیان می‌شد. پروین اعتصامی در اشعار کوتاه و بلند خود به درد و رنج مردم اشاره‌های زیادی کرده است. او اشعاری بسیار پرمعنا و لطیف سروده است. پروین در سن ۳۵ سالگی بر اثر بیماری حصبه در گذشت و در مقبره‌ی خانوادگی در شهر قم به خاک سپرده شد.

– درباره‌ی یکی از موضوعات زیر چند سطر بنویسید.

گفت و گو میان معلّم و سوادآموز
گفت و گو میان کودک و مادر

.....

.....

– معنی ۲ بیت آخر شعر را به زبان ساده بنویسید.

.....

.....

- کلمه‌ها را در جای خالی مناسب قرار دهید.

آرامش گرفتن - سخن گفتن - نیازها - بخشش - سرزنش - شایستگی

کلمه هم‌معنی کلمه هم‌معنی

آرمیدن: عطا:

حاجات: طعن و کنایه:

مناظره: قابلیت:

- در ترکیب‌های زیر مضاف و مضاف الیه را مشخص کنید و در جدول بنویسید.

اهل علم - ظرف آش - شعر پروین - خون دل - نوازش یتیم - تولید محصول

مضاف	مضاف الیه
.....
.....
.....
.....
.....
.....

– به عبارت زیر توجه کنید.

سَرش را بالا گرفت.

کتابت را به من بده.

کلمه‌هایی مانند سرش و کتابت ضمیر هستند.

در جمله‌ی اوّل «سرش» به «سراو» اشاره می‌کند و (ش) به جای (او) آمده است.

در جمله‌ی دوم «کتابت» به «کتاب تو» اشاره می‌کند و (ت) به جای (تو) آمده است.

ضمیر متصل ضمیری است که به جای اسم می‌آید و به واژه‌های دیگر می‌چسبد و مالکیت را نشان می‌دهد.

– با توجه به متن درس ضمیرهای متصل را پیدا کنید و در دفترچه‌ی خود بنویسید.

عنوان شعری که خواندید، مناظره‌ی کدو با چنار است. مناظره نوعی سرودن شعر است که به سؤال و جواب بین دو نفر یا دو چیز اشاره می‌کند. مناظره یکی از قدیمی‌ترین انواع شعر در ادبیات فارسی است. شاعر با این روش منظور خود را به خواننده می‌رساند. پروین اعتصامی یکی از مشهورترین شاعران مناظره گوست.

سعدی شیرازی



سعدی در خانواده‌ای دین‌دار در شهر شیراز به دنیا آمد. قبل از این که به سنّ تکلیف برسد، نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت و شب‌ها قرآن تلاوت می‌کرد. در اوایل جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل علوم ادبی و دینی پرداخت. سپس به عراق و شام و حجاز سفر کرد. سرانجام به شیراز بازگشت و از خاطراتش، حکایت‌ها و شعرها نوشت. او کتاب بوستان را به نظم و یک سال بعد کتاب گلستان را به نثر همراه با شعر نوشت. آثار او از افتخارات ملی و ادبی ما ایرانیان است.

مرد بخشنده:

به حاتم طایی گفتند: آیا از خود بخشنده‌تر کسی را دیده‌ای و یا کسی را می‌شناسی؟ گفت آری! روزی برای بزرگان عرب، چهل شتر قربانی کرده بودم. وقتی به گوشه‌ای از صحرا رفتم، مردی را در آن جا دیدم که خار جمع می‌کرد.

جلو رفتم و به او گفتم: «چرا به میهمانی حاتم نمی‌روی؟ عده‌ی زیادی بر سر سفره‌ی او جمع هستند.» مرد خارکن گفت:

«هر که نان از عمل خویش خُورَد مَنّت حاتم طایی نبرد»

حاتم طایی: یکی از بخشنده‌ترین جوانمردان عرب بود.

با هم گفت و گو کنیم

هر که نان از عمل خویش خورد
مَنّت حاتم طایی نبرد
– در مورد شعر بالا با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم

– تجربه‌ای از فرد یا افرادی که با وجود فقر و تهی دستی، به اندک درآمد خود قانع هستند و دست نیاز به سوی دیگران دراز نمی‌کنند، بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

سعدی می‌گوید: به یاد دارم در زمان کودکی، شب‌ها با پدرم بیدار می‌ماندم و عبادت می‌کردم. یک شب در کنار پدرم قرآن می‌خواندم. عده‌ای اطراف ما خوابیده بودند. به پدرم گفتم: «چرا کسی بر نمی‌خیزد که نماز بخواند؟ آن چنان خوابیده‌اند که گویی مرده‌اند.» پدرم گفت:

« پسر جان! تو نیز اگر بخوابی و بیدار نشوی؛ بهتر از آن است که از کسی عیب جویی کنی. »
« گلستان سعدی »

بنویسیم

- کلمه‌های هم معنی را کنار هم در شکل‌های زیر بنویسید.

خواندن - نظم - آخر - شعر - تلاوت - سرانجام



- جمله‌های زیر را مرتب کرده بنویسید.

نوشت - از خاطراتش - سعدی - و - حکایت‌ها - شعرها

ما ایرانیان - آثار او - است - از افتخارات - ملی و ادبی

- از روی شعر درس مناظره کدو با چنار با خطی زیبا در دفترچه‌ی خود بنویسید.



- با کمک دوستان خود مشخص کنید که هر کتاب مربوط به کدام شاعر است. آنها را به هم وصل کنید.

مولوی سعدی فردوسی حافظ
شاهنامه مثنوی گلستان بوستان

نکته

« سعدی در شیراز به دنیا آمد، او کتاب بوستان را به نظم نوشت.»
« فاطمه و مریم همسایه هستند. ایشان در یک کلاس درس می خوانند.»
در سطر اول (او) به جای کلمه‌ی (سعدی) آمده است و ضمیر است.
در سطر دوم (ایشان) به جای کلمه‌های (فاطمه و مریم) آمده است و ضمیر است.

ضمیر: کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

(من، تو، او) ضمیرهای مفرد و (ما، شما، ایشان) ضمیرهای جمع هستند.

ضمیر مفرد	ضمیر جمع
من	ما
تو	شما
او	ایشان

- حالا چند جمله از درس انتخاب و ضمیرهای مفرد و جمع آن را مشخص کرده و در دفترچه‌ی خود بنویسید.

تمرین دوره‌ای (۴)



اینترنت، پدیده‌ای است که رایانه آن را به انسان هدیه کرده است. با استفاده از آن می‌توان در طی چند ثانیه با مردم سایر کشورهای جهان از طریق متن، صدا و تصویر ارتباط برقرار کرد و تازه‌ترین اخبار را از گوشه و کنار جهان به دست آورد. در مورد یک مطلب خاص، هزاران صفحه نوشت و هزاران عکس مشاهده کرد. مطالب کتاب‌ها و روزنامه‌ها را خواند. اکنون اینترنت شیوه‌ی ارتباطی است که بسیاری از مردم از آن استفاده می‌کنند.

– هم معنی، هم خانواده و مخالف کلمه‌های زیر را در جدول بنویسید.

مخالف	هم خانواده	هم معنی
..... سالم: اوقات: حقیر:
..... قبل: تغذیه: نظم:
..... خوشبخت: منظر: ظرافت:
..... گرسنه: حاصل: عطا:

– کلمه‌های زیر را با واژه‌ی مناسب ترکیب کنید و با کلمه‌های جدید در دفترچه‌ی خود جمله بنویسید.

..... = + نفس (گان-گیر- گاه)

..... = + دانش = + پرورش

..... = + رزمنده = + پرنده

– کلمه‌های زیر را با کمک حروف «ک» و «چه» کامل کنید و با هر یک در دفترچه‌ی خود جمله بنویسید.

..... = + اتاق = + دختر

..... = + بیل = + باغ

– در جمله‌های زیر ضمیر و انواع آن را پیدا کنید.
او با شرمندگی گفت.

همه‌ی کارها روی دوش خودش بود.
معلم از او خواست آن را بخواند.

– یکی از راه‌های تقویت حافظه، حفظ کردن شعر است. اگر شعری در ذهن خود دارید، آن را بنویسید.

.....

.....

.....

دیابت

فاطمه خانم مدتی بود که چشم‌هایش ضعیف شده بود و نمی‌توانست خط‌های کتاب را به خوبی ببیند. با این که صبحانه، ناهار و شام را به طور کامل می‌خورد، باز احساس گرسنگی می‌کرد. سرانجام به پزشک مراجعه کرد. پزشک پس از بررسی نتیجه‌ی آزمایش، گفت: «شما به بیماری دیابت مبتلا شده‌اید.»

فاطمه خانم پرسید: «خانم دکتر دیابت چه نوع بیماری است؟»
خانم دکتر گفت: «دیابت همان بیماری قند است که بعضی از افراد جامعه به آن دچار هستند» و ادامه داد بیماری قند علتهای مختلفی دارد. افراد کم تحرک و چاق و افرادی که سابقه‌ی بیماری دیابت در افراد خانواده‌شان وجود دارد، بیشتر به این بیماری دچار می‌شوند.

البته تغذیه‌ی نادرست و استفاده زیاد از غذاهای چرب و شیرین نیز در بروز این بیماری تأثیر زیادی دارند.

فاطمه خانم با نگرانی پرسید: این بیماری خطرناک است؟
خانم دکتر گفت: در صورتی که این بیماری کنترل نشود، باعث می‌شود که فشارخون بالا برود و بر روی قلب اثر بدی بگذارد و موجب سکتته‌ی قلبی، مغزی و یا حتی نابینایی شود.

فاطمه خانم گفت: «چگونه می‌توانیم متوجه این بیماری بشویم.»
خانم دکتر گفت: «پر خوری، تشنگی، نوشیدن زیاد آب، ادرار زیاد، کاهش وزن ناگهانی، ضعیف شدن چشم و خارش پوست از نشانه‌های این بیماری هستند.»



البته شما نگران نباشید. دیابت قابل کنترل است و اگر به طور مرتب ورزش کنید و از مواد قندی و چربی کمتر استفاده کنید و در وعده‌های غذایی بیشتر از میوه‌ها و سبزی مصرف کنید، می‌توانید این بیماری را کنترل کنید. فاطمه خانم از دکتر تشکر کرد و تصمیم گرفت که به توصیه‌های دکتر عمل کند تا بهبودی خود را به دست آورد.

با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی این عبارت «پیش‌گیری بهتر از درمان است» با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– آیا کسی را می‌شناسید که به بیماری دیابت مبتلا بوده و با توصیه‌های پزشک درمان شده باشد؟ اگر نمونه‌ای سراغ دارید، برای دوستان خود بیان کنید؟

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

ورزش و فعالیت‌های بدنی سبب می‌شوند که قند بیشتری جذب بافت‌های بدن شده و در نتیجه قند خون پایین می‌آید. در واقع می‌توان گفت: که در درمان بیماری قند، ورزش نقش مهمی دارد. ورزش در کنترل بیماری دیابت نیز موثر است.



- هم معنی، هم خانواده و مخالف کلمه‌های زیر را در جدول بنویسید.

مخالف	هم خانواده	هم معنی
ضعیف - کامل چاق - درست	ابتلا - خطرناک حرکت - استعداد	سفارش - سلامت دچار - توانایی
..... ناقص: تحرک: استعداد:
..... لاغر: مستعد: مبتلا:
..... قوی: خطر: بهبودی:
..... نادرست: مبتلا: توصیه:

- با توجه به مفهوم هر جمله کلمه‌ی مناسب را انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.

خانم دکتر از فاطمه خانم بیشتر میوه و سبزی بخورد.
(خواست - خاست)

کمک به بیماران نیازمند زیادی دارد. (صواب - ثواب)
فاطمه خانم تصمیم گرفت در خانه خود ورزش کند.
(حیات - حیاط)

لوازم و منزل خود را بیمه کنید. (اثاث - اساس)

- در جمله‌های زیر مضاف و مضاف‌الیه را پیدا کنید و زیر آن خط بکشید.

بعضی از افراد جامعه دیابت دارند.

مردم کشور ما مسلمان هستند.

شعر «اشک یتیم» از پروین اعتصامی است.

- چند مورد از توصیه‌های پزشک برای کنترل بیماری قند را از درس پیدا

کنید و در دفترچه‌ی خود بنویسید.

- مانند نمونه شکل کامل کلمه‌های زیر را بنویسید و با آنها جمله بسازید.

مخفف	کلمه	جمله
سیه
کوته
ره راه	قرآن ما را به راه درست هدایت می‌کند.
رهزن



(کوه بلند، دشتِ سرسبز، مادرِ مهربان)

در عبارت‌های بالا صفت «بلندی» به «کوه»، «سر سبزی» به «دشت»،
«مهربانی» به «مادر» داده شده است.

در واقع کوه، دشت و مادر؛ را توصیف کرده‌ایم. به این عبارت‌ها **صفت**
و **موصوف** می‌گویند.

بنابراین:

به کلمه‌هایی که درباره‌ی ویژگی کسی یا چیزی یا جایی توضیح
می‌دهند، **صفت** می‌گویند.

به کلمه‌هایی که صفت به آنها اضافه می‌شود، **موصوف** می‌گویند.

– حالا شما برای کلمه‌های زیر صفت مناسب بنویسید.

غذای معلّم

دیوار درختِ

آنچه از دوست رسد، نیکوست

شخص نیکوکاری غلامی داشت که نسبت به او دلسوز بود. او از غذاهای لذیذی که می‌خورد، به او می‌داد و همیشه غلامش را در خوردن میوه با خود شریک می‌کرد. روزی مرد نیکوکار بیمار شد. خربزه‌ای کنارش گذاشتند. غلام به رسم هر روز، غذای او را آورد و خود در گوشه‌ای مشغول غذا خوردن شد. مرد نیکوکار



وقتی رغبت غلام را در خربزه خوردن دید، به هوس افتاد و پیش خود گفت: باید میوه‌ای گوارا باشد که غلام آن را این گونه با اشتیاق می‌خورد. به غلام گفت: «فکر نمی‌کنم با

خوردن کمی خربزه به من آسیبی برسد؟»

غلام ظرف خربزه را جلوی او گرفت. مرد کمی خربزه برداشت و بر دهان گذاشت. ناگاه ابرو در هم کشید و با ناراحتی به غلام گفت: خربزه تلخ را چه

کسی با این لذت خورده که تو می‌خوری؟

غلام با ادب فراوان پاسخ داد: «ای آقای من! زمانی طولانی است که در خدمت شما هستم و میوه‌های شیرین و لذیذ به من داده‌اید. اکنون که یک بار میوه‌ی تلخی از دست شما به من رسیده، نباید ناشکری کنم و از تلخی آن شکایت کنم.»

با هم گفت و گو کنیم

دلسوزی، وفاداری و امانت داری از صفات یک دوست خوب است.
– درباره‌ی یک دوست خوب با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم

– اگر تجربه‌ای از همکاری و کمک یک دوست خوب در رفع مشکلات زندگی خود داشته‌اید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

دوست واقعی کسی است که هنگام ناراحتی و سختی، هرگز شما را تنها نگذارد. حضرت علی (ع) فرموده است: «دوست خوب را در روز سختی باید شناخت.»

بنویسیم

– هم خانواده کلمه‌های زیر را در جای مناسب بنویسید.

شوق - رسوم - لذت - مشارکت

لذیذ:

شریک:

اشتیاق:

رسم:

- بیت زیر را معنی کنید.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و در ماندگی

- با توجه به متن جمله های زیر را کامل کنید.

شخص نیکوکار همیشه غلامش را در

اکنون که یک بار میوه ی تلخی از دست شما

غلام به رسم هر روز، غذای او را آورد و خود

- در ترکیب های زیر مضاف و مضاف الیه، صفت و موصوف را مشخص کنید.

وزیران لایق

مردان شجاع

غذای لذیذ

شوق دیدار

دست مادر

دشت سر سبز

سخن دوست

صفت	موصوف	مضاف الیه	مضاف
.....
.....
.....

او نسبت به غلام مهربان بود.

به این جمله، جمله‌ی ساده می‌گویند؛ زیرا با یک فعل معنی آن کامل می‌شود.

زمانی است طولانی که من در خدمت شما هستم.

به این جمله، جمله‌ی مرکب می‌گویند؛ زیرا از دو فعل تشکیل شده است و معنای آن با یک فعل کامل نمی‌شود.

جمله‌ی ساده با یک فعل معنای آن کامل می‌شود.

جمله‌ی مرکب بیش از یک فعل دارد و معنای آن با یک فعل کامل نمی‌شود.

– حالا مشخص کنید در جمله‌های زیر کدام جمله ساده و کدام جمله، مرکب است.

غلام با ادبِ فراوانی پاسخ داد.

نباید ناشکری کنم و از تلخی آن شکایت کنم.

هنر قالببافی

آموزگار مشغول درس دادن بود. زینب خانم در را باز کرد و اجازه ورود به کلاس را خواست. او با شرمندگی گفت: «بخشید! دیگر دیر نمی‌رسم؛ برای این که بافت قالی، امروز تمام شد! آموزگار گفت: عیبی ندارد. سپس از سوادآموزان پرسید! «آیا هیچکدام از شما با بافت قالی، این هنر زیبا آشنایی دارید؟» «مریم خانم دستش را بالا گرفت و گفت: «خانم، من در اوقات بیکاری به بافتن قالی در خانه مشغول هستم. حتی بعضی وقت‌ها همراه همسرم قالی می‌بافیم.»



طاهره خانم نیز گفت: «مادر من هم در خانه‌اش قالی بافی انجام می‌دهد. او حتی کلاس قالی‌بافی دارد و به علاقه‌مندان قالی بافی یاد می‌دهد.» فاطمه خانم گفت: «من علاقه‌ی زیادی به قالی بافی دارم؛ اما هیچ اطلاعی از آن ندارم؛

پس چه خوب شد که فهمیدم مادرِ طاهره خانم کلاس قالی بافی دارد. من در این کلاس شرکت می‌کنم.» سپس گفت: «قالی بافی هنری است که در ظرافت هم‌تا ندارد. خوشبختانه قالی بافی در کشور ما از هنرهای دستی است که در جهان رقیبی ندارد. در روستاها بیشتر زنان و دختران به بافتن قالی مشغول هستند.» البته در کارگاه‌های شهری، زنان و مردان نیز به قالی بافی می‌پردازند. در نمایشگاه‌هایی که برگزار می‌شود، قالی‌های ایران، نظر بازدیدکنندگان زیادی را به خود جلب می‌کند و این مایه‌ی افتخار ما ایرانیان است.

با هم گفت و گو کنیم

– در مورد نقش سواد و آموزش در بهبود شرایط زندگی، مانند هنر قالی‌بافی با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– چنانچه قالی‌بافی یا صنایع دیگر در اقتصاد زندگی شما تأثیری داشته است، برای دوستانتان بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

قالی کرمان که شهرت جهانی دارد، به طور متوسط بین ۱۵ تا ۳۰ رنگ در آن به کار رفته است. از مهم‌ترین این رنگ‌ها، لاک‌ی سیر و روشن، بژ، عنابی، مسی، آبی سیر و روشن، سرمه‌ای، صورتی و سبز سیر و روشن است. شهرهایی مانند تبریز، کاشان، مشهد و ... نیز در صنعت قالی بافی نقش مهمی دارند و کمک بزرگی به اقتصاد کشورمان می‌کنند.

– هم معنی و مخالف کلمه‌های زیر را در جدول بنویسید:

مخالف	هم‌معنی
آشنا- خوش بخت	نقص- مانند
غریب:	همتا:
بدبخت:	عیب:

– هر کدام از پسوندهای (مند، انگیز، بخت، دار) را مانند نمونه در جای

مناسب خود قرار دهید. رنگ + آمیزی = رنگ آمیزی کار + گاه = کارگاه

خاطره + = + امانت +

علاقه + = + خوش +

– اگر قرار باشد از قالبیافان مشهور کشورمان تقدیر و تشکر شود، شما

چه پیشنهادهایی را دارید؟ بنویسید.

.....

– نوشته زیر را در یک بند کامل کنید:

وقتی بافت‌قالی‌ام تمام شد،

.....

فایده‌های شیر

روستای گلزار بیشتر از روستاهای اطراف، چهره‌ی زیبایی به خود گرفته بود. بهار، درختان این منطقه‌ی کوهستانی را رنگارنگ کرده بود. گوسفندان، در باغ‌ها و دشت‌های سرسبز در حال بودند.



آموزشیار روستا، در مسیرخانه به سراغ کربلایی حسن رفته بود تا علت غیبتش را در کلاس سوادآموزی جویا شود. کربلایی حسن با خوشحالی از گوسفندانش حرف می‌زد و اینکه این روزها با زاییدن گوسفندان، کار او دو چندان شده است. بچه‌ها همه از روستا رفته بودند و به قول خودش دست تنها بود. همه‌ی کارها روی دوش خودش بود. آقای بهرامی منتظر بود به هر شکل شده، هم انگیزه‌ی شرکت در کلاس را در او تقویت کند و هم به او بفهماند، دانستن چیزهای جدید چه اندازه لذت دارد. او در حالی که به کمک نصرالله گوسفند را

گرفته بود، گفت: « ماشاءالله! عجب میش شیردهی! » و ادامه داد: « اتفاقاً امروز موضوع درس کلاس شیر بود. کاش شما هم بودید تا از تجربه‌های خود برای ما می‌گفتید. آقا نصرالله گفت: « آقا معلّم نمی‌شود، برای ما هم از آن حرف‌های خوب بزنید. » این جمله‌ی مرد روستایی همان چیزی بود که آقای بهرامی می‌خواست. به همین جهت در پاسخ به سخنان کربلایی حسن گفت: «شیر با ارزش‌ترین مادّه‌ی غذایی است؛ البتّه به شرط آن که از دام سالم و با رعایت بهداشت تهیه و مصرف شود. شما مردمان روستا فکر می‌کنید، چرا نسبت به شهرنشینان سالم و سرحال‌تر هستید؟ » مرد روستایی گفت: « آقا معلّم این استخوان بندی محکم ما از همین شیر سالم و تازه است. » معلّم گفت: « کاملاً درست است. شیر در دوران کودکی، جوانی و پیری نقش مهمّی در تغذیه انسان دارد. موادّ تشکیل‌دهنده آن تا حدود زیادی رشد بافت‌های بدن را تامین می‌کند. شیر بهترین مادّه‌ی غذایی برای سلامت بدن است. »



با هم گفت و گو کنیم

– درباره‌ی فایده‌های شیر و فرآورده‌های آن با یکدیگر گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم

– اگر تجربه‌ای درباره‌ی نحوه‌ی درست کردن ماست و پنیر دارید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

شیر از موادّ غذایی است که زود فاسد می‌شود. شیر از دوراه آلوده می‌شود: یکی از طریق بیماری‌های دام، مانند: سل، تب مالت، سیاه زخم و ... و دوم به هنگام دوشیدن شیر و مراحل بعدی، آلودگی به شیر منتقل می‌شود. ساده‌ترین و بهترین روش بهداشتی کردن شیر، جوشاندن آن است. باید توجه داشت که حداقل ۱۵ الی ۲۰ دقیقه جوشانده شود. امروزه درکارخانه‌های شیر، کار پاستوریزه و استرلیزه کردن به خوبی انجام می‌گیرد.

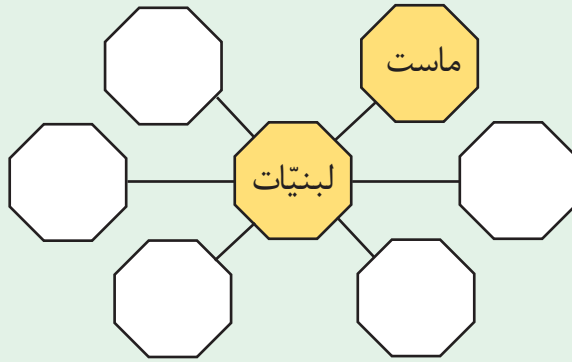
بنویسیم

– کلمه‌های زیر را به ترتیب حروف الفبا مرتّب کنید.

استخوان – پنیر – ویتامین – شیر – سالم

.....

- مانند نمونه شکل زیر را کامل کنید.



- با خواندن هر یک از کلمه‌های زیر یاد چه چیزهایی می‌افتید؟ مانند نمونه بنویسید.

روستا: هوای پاک

دوغ: بهداشت شیر:

سلامت: کوهستان:

- از دوستان یا یکی از اعضای خانواده خود بخواهید از کلمه‌های زیر برای شما دیکته بگویند.

منطقه‌ی کوهستانی - رنگارنگ - پاییز - زاد و ولد - منبع -
فُسفر - البتّه - تغذیه - پروتئین - نصرالله - منتظر - شهرنشینان
- تهیّه - ماشاء الله - استخوان بندی - استرلیزه

- در متن درس کلمه‌هایی را پیدا کنید که مثل کلمه‌ی (مانند) یک حرف پشت سرهم دوبار تکرار شده است.

.....

– به کلمه‌های زیر مانند نمونه، واژه ی «زار» را اضافه کنید و جمله بسازید.

گل + زار = گلزار: در بهار برای تفریح به گلزار می رویم.

چمن + = :

سبزه + = :

– نوشته‌ی زیر را در چند سطر ادامه دهید.

صبح‌ها با نشاط و شادمان از خواب بیدار می‌شوم. دوست دارم در هوای

پاکیزه‌ی روستا

.....

نکته

تابلوهای بزرگ، تابلوهای بزرگ‌تر

اشیای سنگین، اشیای سنگین‌تر

کلمه‌های بزرگ و سنگین علامت (تر) را می‌پذیرند و صفت هستند.

«شبه‌های برق»، «زندگی انسان» این گروه از کلمه‌ها علامت (تر)

را نمی‌پذیرند و مضاف و مضاف‌الیه هستند.

– حالا شما چند جمله از درس را انتخاب و صفت را مشخص کنید و در

دفترچه‌ی خود بنویسید.



یادِ اُستاد

گفت اُستاد مبردرس از یاد یاد باد آن که به من گفت اُستاد
 یاد باد آن که مرا یاد آموخت آدمی نان خورد از دولت یاد
 بیچ یادم نرود این معنی که مرا مادر من نادان زاد
 پدرم نیز چو اُستادم دید گشت از تربیت من آزاد
 پاس مرا منت از اُستاد بُود که به تعلیم من اُستاد، اُستاد
 هر چه می دانست آموخت مرا غیر یک اصل که ناکفته نهاد
 قدر اُستاد نکو دانستن حیف! اُستاد به من یاد نداد
 (ایرج میرزا)

با هم گفت و گو کنیم

– امام علی (ع) می فرمایند: «هر کسی یک کلمه به من بیاموزد، من را بنده خود کرده است.» در این باره گفت و گو کنید.

از تجربه ها بگوئیم

– یکی از خاطرات دوران سوادآموزی را برای دوستان خود بیان کنید.

شاعر شعر «یاد استاد» ایرج میرزا است. او در تبریز به دنیا آمد. در همان شهر به کسب علم و دانش پرداخت. پدر او شاعر بود و به صدرالشعرا مشهور بود. ایرج میرزا در ۱۹ سالگی پدرش را از دست داد و لقب صدرالشعرا را به پسر دادند. ایرج میرزا به زبان ساده شعر می گفت. او علاوه بر آموختن علوم زمان خود، به آموختن زبان‌های خارجی نظیر فرانسوی، روسی و ترکی نیز پرداخته است.

بنویسیم

– هم خانواده، هم معنی و مخالف کلمه‌های زیر را بنویسید:

مخالف	هم معنی	هم خانواده
نادان:	وسیع:	آموخت:
خواب:	قدر:	اصل:
شادی:	تعلیم:	نکو:

– جمله‌های زیر را با فعل مناسب کامل کنید:

- ۱ - مردم ایران شجاع
- ۲ - انقلاب اسلامی در بهمن ماه به پیروزی
- ۳ - نابرده رنج گنج میسر

- با کمک اعضای خانوادگی خود بنویسید هر یک از این نشانه‌ها چه پیامی دارند.



- از درس یاد استاد چه نتیجه‌ای می‌گیرید، چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

نکته

به این کلمه‌ها توجه کنید.

- خواست، خاست

- خوار، خار

- حیاط، حیات

همان‌طور که می‌بینید، هر دسته از این کلمه‌ها به یک صورت تلفظ و خوانده می‌شود، اما شکل نوشتاری و معنای آنها، متفاوت است؛ مثلاً واژه‌ی «خاست» به معنای (بلند شد) و «خواست» به معنی «طلب کرد» است.

به این گروه از واژه‌ها، «هم آوا» می‌گویند.

رایانه

از زمان‌های قدیم، انسان، برای انتقال افکار و ایجاد ارتباط با دیگران از روش‌های مختلفی استفاده می‌کرد. زمانی که انسان در قبیله‌های کوچک و در مناطق پراکنده بود، برای برقراری رابطه با دیگران از نشانه‌های تصویری استفاده می‌کرد.



با زیاد شدن تعداد روستاها و شکل‌گیری شهرها، مردم برای رفع نیازهای خود از کبوتر نامه بر یا پیک استفاده می‌کردند. با پیشرفت علم، مردم برای محاسبه‌ی دارایی خود و حساب کردن قیمت اجناس، چرتکه را ساختند تا به وسیله‌ی آن، شمارش را سریع‌تر و آسان‌تر انجام دهند.

یکی از مهم‌ترین و مفیدترین اختراعات انسان، رایانه است. انسان به یاری این ابزار می‌تواند، مسایل مشکل و پیچیده را حل کند، نامه بنویسد و به مقصد مورد نظر بفرستد. هزاران صفحه کتاب و اطلاعات را ذخیره کند. طراحی و نقاشی انجام دهد.

در زندگی امروز، رایانه نقش مهمی دارد. از آن جا که انسان در انجام دادن کارهای تکراری صبور نیست و گاهی دچار اشتباه می‌شود، رایانه این کارها را با سرعت و دقت باور نکردنی انجام می‌دهد. به همین علت یکی از نیازهای زندگی امروز، آشنایی با کار رایانه است.

با هم گفت و گو کنیم

– چند نمونه از کارهایی را که به وسیله‌ی رایانه انجام می‌شود، نام ببرید.
درباره‌ی آنها با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– آیا تاکنون کاری با رایانه انجام داده‌اید؟ تجربه‌ی خود را در این مورد بیان کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

شاید کلمه‌ی رایانه برای شما کلمه‌ای جدید باشد و به جای آن بیشتر کلمه‌ی کامپیوتر را شنیده باشید. برخی کلمه‌ها روزانه مورد استفاده‌ی فروان قرار می‌گیرند، اما این کلمه‌ها **فارسی** نیستند و از ادبیات سایر **کشورها** وارد

زبان ما شده‌اند. بهتر است از این کلمه‌های **بیگانه** استفاده نشود و به جای آن از کلمه‌های پیشنهادی ارائه شده در زبان فارسی دارای مفهوم هستند؛ در گفتار و نوشتارها استفاده کنیم و به این کلمه‌های جایگزین، معادل یا برابر سازی می‌گویند. مثلاً به **سوبسید** می‌گوییم، **پارانه**

نگوییم:	آدرس	پاراگراف	کامپیوتر	هلی کوپتر
بگوییم:	نشانی	بند	رایانه	بالگرد

بنویسیم

– با توجه به کلمه‌های داده شده جدول زیر را کامل کنید.
نوعی کشیدن نقاشی، فرستادن، به وجود آوردن، جابه جا کردن، حساب کردن، احتیاج، تمایل به وجود آوردن، چیز تازه.

کلمه	هم معنی	کلمه	هم معنی
اختراع	طراحی
ارسال	گرایش
انتقال	محاسبه
ایجاد	نیاز

- با هریک از این کلمه‌ها در دفترچه‌ی خود جمله بنویسید.

پیچیده - مناطق پراکنده - نشان‌های تصویری

- درباره‌ی استفاده‌های رایانه چند سطر در دفترچه‌ی خود بنویسید.

- چند کلمه از درس بنویسید که دارای «تر» و «ترین» باشد و با آنها در دفترچه‌ی خود جمله بنویسید.

نکته

به این جمله‌ها توجه کنید.

در زمان‌های قدیم ارتباط آسان نبود.

اینجا کلاس درس است.

او آرام آرام کار با رایانه را یاد گرفت.

در جمله‌ی اوّل کلمه‌ی «قدیم» نشان‌دهنده‌ی **زمان وقوع فعل** است.

در جمله‌ی دوم کلمه‌ی «اینجا» نشان‌دهنده‌ی **مکان وقوع فعل** است.

در جمله‌ی سوم کلمه‌ی «آرام آرام» نشان‌دهنده **حالت وقوع فعل** است.

کلمه‌های (قدیم، اینجا، آرام آرام) قید هستند.

قید کلمه‌ای است که چگونگی انجام فعل را می‌رساند

و به زمان، مکان و حالت اشاره می‌کند.

چهار سطر اوّل درس را بخوانید و کلمه‌هایی را که نشان‌دهنده‌ی قید

هستند، مشخص کرده و در دفترچه‌ی خود بنویسید.



خانواده و فرزندان

زهرا خانم پس از این که کارهای خانه را انجام داد، استکان چای خود را برداشت و تلویزیون را روشن کرد. او ضمن خوردن چای به تلویزیون نگاه می‌کرد. تلویزیون برنامه‌ی آموزشی و تربیتی پخش می‌کرد. خانم مجری از آقای که متخصص امور تربیتی بود پرسید: «اولین کار برای تربیت فرزند صالح از چه زمانی آغاز می‌شود؟» آقای دکتر جواب داد: «به نظر من اولین شرط برای داشتن فرزند صالح، داشتن همسری شایسته است. انتخاب همسر، نخستین قدم برای تشکیل خانواده است. پس باید در انتخاب همسر دقت کرد؛ زیرا تربیت فرزند خوب و شایسته در خانواده‌های سالم امکان‌پذیر است.»



خانم مجری گفت: «به نظر من لقمه‌ی حلال هم در تربیت صحیح اثر دارد.» آقای دکتر گفت: «کاملاً درست است.» امام صادق(ع) می‌فرماید:

« مهم‌ترین اثر لقمه‌ی حلال، تأثیر آن بر نسل است. تأثیر مال حرام آن قدر زیاد است که عبادت‌های انسان را از بین می‌برد. »

خانم مجری گفت: « از بزرگ‌ترین کارهای افراد مؤمن و مسئولیت‌پذیر کوشش برای تربیت فرزندان صالح است. » آقای دکتر در جواب گفت: « امام محمدغزالی در کتاب « کیمیای سعادت » چنین می‌نویسد: بدان! فرزند صالح امانتی است در دست پدر و مادر، دل او مانند موم نقش‌پذیر است و مانند زمین پاک و حاصل‌خیزی است که هر دانه‌ای در آن بکاری سبز می‌شود. اگر تخم خیر بکاری، به سعادت دین و دنیا می‌رسی و پدر و مادر شریک در این ثواب هستند. اگر تخم شرّ بکاری، کودک عاقبت به خیر نمی‌شود و پدر و مادر در این گناه و عذاب شریک هستند. »

پدر و مادر دلسوز حتی لحظه‌ای نباید از تربیت فرزندان خود غافل شوند؛ زیرا کم‌توجهی به این کار، خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. پدر و مادر باید آگاه باشند که فرزندان هر خانواده، ارزشمندترین سرمایه‌های آن خانواده هستند. فرزندان را با دستورهای اسلام آشنا کنیم تا آنان بدانند که دوست داشتنی و با ارزش هستند و در آینده، فردی سربلند و مفید خواهند بود. اگر پدر و مادر با کودکان صمیمی و مهربان باشند و به شیوه‌ی صحیح با آنان رفتار کنند، در آینده، فرزندان باهوش، با ادب و درست‌کاری خواهند داشت. زهرا خانم خدا را شکر کرد که توانسته فرزندان خوب و لایقی تربیت کند.

با هم گفت و گو کنیم

– در مورد تأثیر روزی حلال بر سرنوشت افراد با یکدیگر گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم

– از تجربه‌های خود در مورد تربیت فرزند شایسته، برای دوستان خود بازگو کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

پیامبر (ص) درباره ی تربیت فرزند می‌فرمایند: «فرزند صالح شاخه‌ی ریحان است، از ریحان‌های بهشتی. خداوند پدر و مادری را مورد لطف و رحمت خود قرار می‌دهد که فرزندشان را در انجام دادن کارهای نیک کمک کنند. او را از کارهای دشوار و خارج از توان معاف کنند. کارهای نیک او را هر چند کوچک است، با روی باز بپذیرند و با او تندی نکنند. با کودکان رفتار محبت آمیز داشته باشند.»

بنویسیم

– سخن امام محمد غزالی درباره‌ی تربیت فرزند را به صورت خلاصه در دفترچه‌ی خود بنویسید.

– با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

لقمه‌ی حلال:

تربیت صحیح:

- حالا با جمله‌هایی که ساخته‌اید یک متن زیبا و کوچک در دفترچه‌ی خود بنویسید.

- معنی کلمه‌های زیر را بنویسید.

موم: لایق:
عذاب: شرّ:

- مخالف هر کلمه را روبه روی آن بنویسید.

(بعد - خیر - دروغگو - همیشه - سبک - آگاهی)

راست‌گو: شرّ:
سنگین: غفلت:
قبل: هیچ‌گاه:

- متن زیر را به دلخواه و با عبارتهای مناسب در دفترچه‌ی خود ادامه دهید.

می‌دانم فرزندان امانت خداوند هستند و من برای اینکه امانت‌دار خوبی باشم، ...

.....
.....
.....
.....

- در جمله‌های زیر قیده‌ها را مشخص کنید.
آموزگار با خوشحالی وارد کلاس شد.
آموزشیار دیروز به دیدن مشه‌دی حسن رفته بود.
طاهره خانم در آنجا قالی می‌بافد.

نکته

به این جمله‌ها دقت کنید:
مجری از آقای‌ی که متخصص امور تربیتی بود، پرسید: اولین کار در تربیت فرزند صالح از چه زمانی آغاز می‌شود؟

به این علامت (:): **دو نقطه** می‌گویند و زمانی به کار می‌رود که بخواهیم از کسی نقل قول کنیم و یا معنی لغتی را در برابر آن لغت بنویسیم.

این جمله را بخوانید.

بی‌توجهی به این امر خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.
بی‌توجهی به این امر، خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

نشانه‌ی (،) در جمله‌ی دوم باعث می‌شود آن را مثل جمله‌ی اول نخوانیم،
به این نشانه **ویرگول** می‌گویند. **ویرگول** نشانه‌ی توقف کوتاه است.

زلزله و ایمنی

زلزله لرزش ناگهانی و سریع زمین، به دلیل ایجاد شکستگی و جابه‌جایی لایه‌های درونی زمین است.

چنین لرزشی می‌تواند موجب خراب شدن ساختمان‌ها و پل‌ها، نشت گاز و مشکلات در شبکه‌ی برق و تلفن شود.



زلزله در هر زمانی از شبانه روز، ممکن است اتفاق بیفتد و قابل پیش‌بینی هم نیست. ما باید زندگی و محیط خود را طوری آماده کنیم که در صورت حادثه، آسیب و خسارت کمتری ببینیم.

قبل از وقوع زلزله، باید این موارد را رعایت کرد:

- قفسه‌ها را به دیوار محکم کنید.
- آویختنی‌های سنگین مانند: تابلوهای بزرگ و قاب عکس‌های شیشه‌ای

را در مکانی دور از تخت خواب، مبل و صندلی و دور از مکان‌هایی که امکان افتادن بر روی سر را دارد، نصب کنید.

- محل خواب نباید کنار پنجره، زیر لوستر، تابلو و سایر اشیای آویزان باشد.

- کلاهک دودکش‌های بخاری را که در زمان زلزله ممکن است، سقوط کنند، بازرسی کنید.

- ذخیره‌ی آب و غذا (به صورت کنسرو) به اندازه مصرف سه روز آماده کنید.

- خانه، اعضای خانواده و اموالتان را در برابر زلزله بیمه کنید.

- به هنگام وقوع زلزله، خونسردی خود را حفظ کنید. از اشیای بلند، سنگین و ناپایدار؛ نظیر: کمد و قفسه‌ها و ... فاصله بگیرید.

- اگر داخل ساختمان هستید، روی زمین بنشینید و به کمک بازوها و دست‌های خود سر و پشت گردن را محافظت کنید. در صورت امکان زیر میز محکم و یا گوشه‌های اتاق قرار گیرید.

- اگر در منزل هستید، به نقطه‌ی امنی دور از ساختمان‌ها، درختان و سیم‌های برق بروید.

با هم گفت و گو کنیم

- درباره‌ی نکته‌های ایمنی قبل از وقوع زلزله با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

- از تجربه‌های خود درباره‌ی کمک به آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی، برای دوستان خود بازگو کنید.

به هنگام وقوع بلایای طبیعی، مردم سراسر کشور به افراد آسیب‌دیده کمک می‌کنند. برای اینکه این کمک‌ها به موقع به افراد آسیب‌دیده رسانده شوند، باید به این نکته‌ها توجه کرد:

- جهت اهدای کمک‌های مالی، تنها به سازمان‌های رسمی و مسئول مراجعه کنید.

- جهت اهدای غذا و لباس، منتظر اعلان عمومی نهادهای مسئول بمانید.

- داوطلبان کمک به آسیب‌دیدگان، باید به سازمان مسئول؛ مانند: جمعیت هلال احمر، مراجعه کنند.

- به جای کلمه‌های مشخص شده از کلمه‌های داده شده استفاده کنید.

بیفتد، اتفاق، خراب شدن، مانند

زلزله می‌تواند موجب تخریب و در هم شکستن ساختمان‌ها و پل‌ها شود.

ما باید زندگی و محیط خود در را طوری آماده کنیم که در صورت حادثه،

آسیب کمتری ببینیم.

کلاهک دودکش بخاری در زمان زلزله ممکن است، سقوط کند.

به هنگام وقوع زلزله از اشیای سنگین نظیر: کمد و قفسه‌ها فاصله بگیرید.

- کلمه‌های هم خانواده را پیدا کنید و بنویسید.

حادثه- وقوع - حفاظت - خراب

تخریب حوادث حفظ واقعه

- با استفاده از کلمه‌های (آیا، چرا، چگونه) مانند نمونه جمله‌های زیر را پرسشی کنید.

به پدر و مادر خود نیکی کنید. «چگونه می‌توانیم به پدر و مادر خود نیکی کنیم؟»

با شماره (۱۱۰) می‌توان با پلیس تماس گرفت.؟

زلزله قابل پیش‌بینی نیست.؟

- با توجه به عبارت «علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد» با کمک اعضای گروه یا خانواده چند سطر بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

– به کمک اعضای گروه یا خانواده شماره تلفن مناسب هر تصویر را به آن وصل کنید.



۱۱۸

۱۲۵



۱۱۵

۱۱۰



نیایش



الهی! ضعیفان را پناهی، مؤمنان
را گواهی، چه عزیز است، آن کس
که تو خواهی.
الهی! یکتای بی‌همتایی، بر همه
چیز بینایی، در همه حال دانایی و
داروی دل‌هایی.

الهی! ای بخشنده‌ی بی‌منت! ای داننده‌ی رازها! ای شنونده‌ی آوازه‌ها! ای
بیننده‌ی نمازها! ای مهربان! عذرهای ما را بپذیر که تو غنی و ما فقیر. از بنده
خطا آید و ذلت و از تو عطا آید و رحمت.
الهی! هر که تو را شناسد کار او باریک و هر که تو را نشناسد راه او تاریک.
(خواجه عبدالله انصاری)

با هم گفت و گو کنیم

– چند مورد از صفتهای خداوند را نام ببرید و درباره‌ی آنها گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوئیم

– اگر خاطره‌ای از تأثیر دعا و نیایش در زندگی دارید، برای دوستان خود بازگو کنید.

بخوانیم تا بیشتر بدانیم

سپاس خداوندی را که پروردگار جهانیان است .
بخشنده و مهربان است.
مالک روز قیامت است.
خدایا! ما را به راه راست هدایت فرما.
راه کسانی که به آنان نعمت بخشیده‌ای نه راه کسانی که به آنها خشم
گرفتی و نه راه گمراهان.

«ترجمه‌ی سوره‌ی حمد»

بنویسیم

– با توجه به کلمه‌های زیر هم معنی کلمه‌های مشخص شده در متن را بنویسید.

بی نظیر، کوتاهی، بی نیاز، تهی دست، خواری، بخشش
الهی یکتای بی‌همتایی، ای مهربان! عذرهای ما را بپذیر که تو غنی و ما
فقیر و تو قوی و ما حقیر. از بنده خطا آید و ذلت و از تو عطا آید و رحمت.

- از روی کلمه‌های زیر یک بار بنویسید.

ضعیفان - بی منت - عذرهای - پذیر - غنی - حقیر - خطا - ذلت - عطا

- متن زیر را کامل کنید.

با یاد خداوند دل‌ها آرام

- درباره‌ی سپاسگزاری از خداوند مهربان در دفترچه‌ی خود انشا بنویسید.

- در بخش بخوانیم و بیشتر بدانیم معنی سوره‌ی حمد آورده شده است
شما هم با کمک دوستان خود معنی سوره‌ی توحید را در دفترچه‌ی خود
بنویسید.

«الهی، یکتای بی‌همتایی!» «چه خداوند مهربانی!» «به به چه هوایی!»
 «امروز کاش برادرم از مسافرت بیاید!»
 جمله‌های بالا احساس و عاطفه، تعجب و آرزو را بیان می‌کنند.

جمله‌ی عاطفی جمله‌ای است که برای بیان احساس، عاطفه، غم، شادی و تعجب می‌آید و باید در آخر این جمله‌ها علامت «!» بگذاریم.

– در جمله‌های زیر جمله‌ی عاطفی را مشخص کنید.

ای کاش باران می‌بارید!

مریم دیروز به کلاس آمد.

آفرین! عجب نمره‌ی خوبی گرفتی!

برای هریک از عبارتهای زیر یک دعا بنویسید:

..... - مسلمانان:

..... - امام زمان (عج):

..... - مستضعفان:

..... - جوانان:

..... - بیماران:

..... - نیازمندان:

..... - زنان:

..... - کشور ما:

..... - سربازان:

..... - مستکبران: